

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

رشد جوانان ۹

فصل نامه سامان بخشی کتاب های آموزشی
وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده
سر دبیران: محمد علی شامانی / سید امیر رون
مدیر داخلی: محمد حسین معتمد راد
ویراستار: بهروز راستانی
مدیر هنری: فریبرز سیامک نژاد
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد
سال انتشار: بهار ۱۳۸۴
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴
وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی
تلفن: ۶۰۷۱-۸۸۳۰، دورنما: ۱۴۷۸-۸۸۳۰
آدرس اینترنتی: www.samanketab.com
پست الکترونیکی: Email:info@samanketab.com

فهرست

۴ فراخوان ارسال مقاله و یادداشت

۵ راهنمای تهیه مقالات

۶ سرمقاله (مصرف کننده یا تولید کننده ی دانش، کدام یک؟)

۷ نگاه کارشناسانه (میزگرد اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر کتاب های آموزشی)

۲۷ نظرخواهی: مشکلات نشر و تأثیر جشنواره

۴۳ چکیده ای از یافته های ارزیابی برگزاری چهارمین جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد (آذرماه ۸۳)

۴۹ ادبیات کودکان و نوجوانان، رویکردی اثربخش در تولید کتاب های کمک آموزشی

۶۱ هنگام انتخاب کتاب برای فراگیرندگان، به چه نکاتی باید توجه کرد



محمد علی شامانی



محمد مهدی رادان



محمد علی شامانی
سید امیر رون



احمد شریفان



حضرت علی^(ع): « ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ. »
 میوه دانش، شناختن خداست.
 غرر الحکم و دُرر الکلم



محمد حسین معتمد راد



فاطمه حدادی

چکیده‌ی یافته‌های یک پژوهش ۶۵

۷۱ توصیه‌هایی برای نگارش کتاب‌های آموزشی فلسفه

۷۹ فهرست زمان‌بندی برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب

۸۲ نظرخواهی از خوانندگان

فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی - پژوهشی «جوانه»، با هدف برقراری ارتباط نزدیک‌تر با «ناشران و نویسندگان آموزشی»، در زمینه مباحث مربوطه به تولید کتاب‌های آموزشی مناسب در کشور و بررسی تحولات و پیشرفت‌های علمی جهان، پا به عرصه وجود گذاشت. گام‌های تازه‌ما به این مقصود است که بتوانیم از طریق پدیدآوردن‌گان، در راستای تحقق هدف‌های آموزش و پرورش به صورت مستمر و پویا، کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی را ارتقا بخشیم.

از این‌رو، از اندیشمندان و صاحب‌نظران دلسوز نظام آموزشی، طلب آن داریم آنچه که بازگفتش را برای شکوفایی نظام تولید کتاب‌های آموزشی کشور لازم می‌دانند، با ما در میان بگذارند. منتظر نوشته‌ها، پیشنهادها و انتقادهای شما هستیم.

یادداشت ارسال مقاله فراخوان

فصل نامه آموزشی تحلیلی پژوهشی «جوانه»، از کلیه صاحب نظران، نویسندگان و پدیدآورندگان کتاب های آموزشی و اندیشمندان علاقه مند به مباحث تولید کتاب های آموزشی دعوت می کند، مقالات و یادداشت های خود را با توجه به راهنمای تهیه مقاله تحت موضوعات زیر، برای دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتاب های آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتاب های آموزشی
۳. تبیین ویژگی ها و استانداردهای کتاب های آموزشی
۴. معرفی توصیفی کتاب های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب شناسی تولید کتاب های آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی
۸. مخاطب شناسی
۹. معرفی طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی و مؤسسه های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش های نوین خودیادگیری و خودارزشیابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتاب های آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه ریزی، تولید و ارزشیابی کتاب های آموزشی
۱۳. دورنما و چشم اندازهای آینده تولید کتاب های آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتاب های آموزشی مناسب

راهنمای تهیه مقالات

نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «جوانه» با هدف اطلاع رسانی، اشاعه یافته های علمی و ایده های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید کتاب های آموزشی مناسب منتشر می شود تا از این طریق، پدیدآورندگان در راستای تحقق هدف های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا بر غنای دانش تجربه حرفه ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیت های موجود، کیفیت تولید کتاب های آموزشی را ارتقا بخشند.

راهنمای تهیه مقاله

از استادان، صاحب نظران و اندیشمندان محترم عرصه کتاب های آموزشی که به منظور همراهی با این فصل نامه، مقاله های خود را برای انتشار در «جوانه» ارسال می دارند تقاضا می شود، نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۸ صفحه تایپ شده و ۱۳ صفحه دست نوشته تجاوز نکند.
- مقاله حاوی مقدمه ای کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی مقاله ارسال شود.
- مقاله ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها، در متن مشخص شود.
- «جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است و از عودت مقاله نیز معذور می باشد.
- آرای مندرج در «جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی» نیست. بنابراین، مسؤولیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

- اطلاعات کتابداری منابع مورد استفاده برای تدوین مقاله، به ترتیب زیر تنظیم شود:
- الف) در مورد کتاب ها:** نام نویسنده، نام کتاب یا مقاله، نام مترجم (اگر مقاله یا کتاب ترجمه باشد)، نام ناشر، محل نشر، سال نشر، شماره صفحه.
- ب) در مورد نشریه:** نام نویسنده، نام مقاله، نام مترجم، (اگر مقاله ترجمه باشد)، نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.
- مقاله را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، آدرس محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به آدرس زیر ارسال فرمایید:

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸
دفتر انتشارات کمک آموزشی، فصل نامه «جوانه»



مصرف کننده یا تولید کننده‌ی دانش، کدام یک؟

محمد علی شامانی

هزاره‌ی سوم، هزاره‌ی پرسش‌های نو در عرصه‌های گوناگون است؛ هزاره‌ای که با خود هزاران تغییر را پدید آورده است. یکی از جدی‌ترین تغییرات در سطح جهان، تجدیدنظر در حوزه‌ی «تولید دانش» است. این تغییر ما را با چالش اساسی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت روبه‌رو می‌کند. تبیین مسأله‌ی بسیار مهم «مدیریت دانش»، نقش کلیدی و راهبردی در توسعه‌ی آموزش و پرورش دارد؛ ضرورتی که ما را به مطالعه و پژوهشی جدی دعوت می‌کند. در فصل‌انبوه اطلاعات، مدیریت دانش امری بسیار حساس و کلیدی است. بی‌توجهی به آن ما را در انبوه اطلاعات غرق خواهد کرد و فرصت‌های گرانبهائی را از ما، به واسطه‌ی «پرسه‌زدن» در بزرگراه‌های اطلاعات تولید شده، خواهد دزدید.

امروز باید فرزندانمان را برای استفاده از دانش، توانا کنیم. توانایی استفاده از دانش نیاز به یک برنامه‌ی دقیق و جدی دارد؛ برنامه‌ای که در دل خود خلاق، زنده و پویا باشد تا بتواند در مقابل این چالش، فرصت‌های تازه را معرفی کند.

شناسایی راهکاری مناسب برای انتقال از شرایط موجود و ورود به چرخه‌ی این مدیریت، مستلزم یک تغییر رویکرد اساسی است؛ تغییری که باید وضعیت ما را از «مصرف کننده» به «تولید کننده»ی دانش تغییر دهد. این تغییر باید در ساختار و عناصر درونی برنامه‌ی درسی و مهم‌ترین بخش آن، یعنی کتاب آموزشی صورت گیرد.

بی‌تردید با تولید کتاب به شیوه‌ی سنتی، همواره در نقش «مصرف کننده» باقی خواهیم ماند. ماندن در موقعیت مصرف کننده ما را با شرایطی دشوار و شکننده در جهان کنونی روبه‌رو خواهد کرد. برای ماندن در جغرافیای دانایی، باید جوانانی تولید کننده‌ی دانش داشته باشیم تا بتوانیم با دستیابی به دانش، مقتدرانه در جهان اعلام حضور کنیم.

ورود به بازار دانش نیازمند درک دقیق این شرایط است. به این منظور باید زیرساخت‌های تولید دانش و شیوه‌های انتقال آن را دقیقاً بررسی کنیم. و البته سهم جدی کتاب‌های آموزشی را هرگز از نظر نباید دور داشت.

چگونه باید با محتوا مواجه شویم ... به گونه ای که محتوا همچون ماده پژوهش فکری در نظر گرفته شود، نه چون غذای فکری آماده که مانند کالای خریداری شده از مغازه، پذیرفته و خورده شود.

دیویی

میزگرد اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر کتاب های آموزشی

نگاه کارشناسانه



اشاره

دفتر انتشارات کمک آموزشی، دوم آذرماه ۸۳ در محل برگزاری چهارمین جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد (تالار حرکت) میزگرد «اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر کتاب های آموزشی» را برگزار نمود. در این نشست آقایان علیرضا حاجیان زاده مدیر کل، مرتضی مجدفر و محمدعلی شامانی معاون های دفتر انتشارات کمک آموزشی، خانم دکتر گویا، استاد دانشگاه و آقایان مهندس ابوالقاسم جاریانی معاون دفتر برنامه ریزی تألیف کتاب های فنی و حرفه ای، دکتر میثمی، مدیر انتشارات اندیشه سازان و صاحب نظران دیگر حضور داشتند. از میانه ی بحث نیز، برخی از چهره های فرهنگی و علمی به میزگرد پیوستند و زوایای گوناگون مباحث را مورد بازکاوی و بررسی دقیق قرار دادند.

مجدفر: کارشناسان، به کتاب‌هایی که در کنار کتاب‌های رسمی درسی منتشر می‌شوند، نام‌های متفاوتی داده‌اند؛ مثل: آموزشی، کمک‌آموزشی، کمک درسی و حل‌المسائل. در واقع، اولین مشکل ما این است که تعریف مشخص و استاندارد را در این حوزه شاهد نیستیم. این که چه کتابی آموزشی است و چه کتابی کمک‌درسی و کمک آموزشی، و از میان کمک‌درسی‌ها، کدام حل‌المسائل است و کدام خلاقیت محور، هنوز محل مناقشه است و تعریف دقیق آن‌ها بحث‌های متفاوتی را می‌طلبد. من در ادامه فقط دیدگاه خودم را مطرح می‌کنم.

از آن‌جا که نظام آموزشی ما متمرکز است و هنوز نتوانسته‌ایم، سیاست چند تألیفی را به صورت گسترده جاری و ساری کنیم، در هر درس فقط یک کتاب درسی برای کل نظام آموزشی وجود دارد. البته در بعضی از رشته‌ها و بعضی از پایه‌های تحصیلی، به ندرت چند تألیف وجود دارد؛ مثل جغرافیای دوم دبیرستان که چند کتاب درسی دارد و معلم‌ها به نوعی حق انتخاب دارند. یا در درس پرورشی

دوره‌های متوسطه و راهنمایی، شش کتاب را معرفی می‌کنند و معلم دو کتاب را طی یک دوره‌ی آموزشی انتخاب می‌کند. ولی نزدیک به صد درصد درس‌ها، یک کتاب مشترک برای همه‌ی دانش‌آموزان وجود دارد که اسم این کتاب مشترک را «کتاب درسی» می‌گذاریم.

کتاب‌هایی که در بازار، در حوزه‌های متفاوت در حال انتشارند و ممکن است با نگاهی به کتاب‌های درسی یا به صورت مستقل منتشر شوند، «کمک درسی» نام می‌گیرند. در این تقسیم‌بندی، من کتاب «کمک آموزشی» را به کلی کنار گذاشته‌ام. کتاب‌هایی که در بازار منتشر می‌شوند و ناظر بر برنامه‌ی درسی رسمی هستند و برای توسعه‌ی آن، برنامه و چارچوب در نظر می‌گیرند، مثلاً به سؤال‌های کتاب درسی پاسخ می‌دهند و براساس سرفصل‌های آن تنظیم شده‌اند، چه کتاب کار، چه کتاب حل‌المسائل، چه کتاب‌های نمونه‌ی سؤال، در دسته‌ی کتاب‌های کمک‌درسی طبقه‌بندی می‌شوند.

دسته‌ی سوم را «کتاب آموزشی» نامگذاری می‌کنم. مثلاً یک ناشر خصوصی، در ارتباط با تاریخ ایران و

این که چه کتابی آموزشی است و چه کتابی کمک‌درسی و کمک آموزشی، و از میان کمک‌درسی‌ها، کدام حل‌المسائل است و کدام خلاقیت محور، هنوز محل مناقشه است و تعریف دقیق آن‌ها بحث‌های متفاوتی را می‌طلبد

براساس دوران‌های تاریخی کشور و مجموعه‌ای را منتشر می‌کند که اصلاً نگاهی به کتاب‌های درسی ندارد. این گونه کتاب‌ها کمک درسی نیستند، ولی به نوعی ممکن است به موضوعات مثلاً تاریخ سوم متوسطه ما مربوط باشند.

نکته‌ی دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، اختلافی است که بر سر نوع کتاب‌های کمک‌درسی وجود دارد و نیز سؤال اول میزگرد امروز که کتاب‌های آموزشی موجود براساس چه معیارهایی تدوین و تولید می‌شوند. می‌دانیم که کتاب‌های کمک‌درسی موجود در بازار طبقه‌بندی‌های گوناگونی دارند. کتاب‌های حل المسائل از نظر ما مذموم هستند، اگرچه وقتی با ناشران بحث می‌شود، آن‌ها می‌گویند، ما به نیاز بازار و دانش‌آموزان پاسخ می‌دهیم. اگر هدف دانش‌آموزان قبولی در کنکور دانشگاه است، ما به این نیاز پاسخ می‌دهیم.

پس از این زاویه نمی‌توان از این گروه از ناشران ایراد گرفت، اما خانم دکتر گویا می‌توانند بگویند که این دسته کتاب‌ها چه آسیب‌هایی دارند.

مدتی آموزش و پرورش از تولید این کتاب‌ها ممانعت کرد و به آن‌ها مجوز نمی‌داد و این ناشران به چاپ زیراکسی و بازار سیاه روی آورده بودند. این کتاب‌ها، سؤال‌های کتاب‌درسی را پاسخ می‌دهند و باعث خلاقیت‌کشی در کلاس درس



دسته تقسیم کرد: دسته ی اول کتاب هایی که، یافته های علمی جدید را به معلمان و دانش آموزان ارائه و معرفی می کنند. گاهی هم به عنوان کتاب کمک آموزشی یک سلسله اطلاعات اضافی به دانش آموز می دهند و فناوری های جدید را با معلم و دانش آموز در میان می گذارند.

دسته ی دوم، کتاب های کمک درسی هستند که زمانی تحت عنوان کتاب های کار و فعالیت، منتشر می شدند که به نظر من کتاب های بسیار مفیدی هستند. کتاب های کار و فعالیت، حل المسائل نیستند، ولی در آن ها ابتدا بحث کتاب درسی باز می شود و سپس یک مجموعه تمرین و فعالیت به دانش آموز داده می شود که به نظر من، حتی برای معلمان هم مناسب است. البته اگر جنبه ی حل المسائل داشته باشند، به سیستم آموزشی لطمه می زنند. کتاب های تمرین درسی هم در این گروه قرار دارند که بحث های کتاب درسی را گسترش می دهند و در این رابطه، نکات مورد علاقه ی دانش آموزان را نیز مطرح می کنند.

به نظر من کتاب های راهنمای معلم در زمره ی کتاب های کمک درسی هستند. کتاب های راهنمای معلم می توانند خیلی مفید و موثر باشند که متأسفانه اخیراً در ایران کم تر از آن ها استفاده می شود.

میشمی: در تقسیم بندی کتاب های آموزشی، به کتاب هایی برمی خوریم که بر مبنای برنامه ی درسی تألیف و تنظیم شده اند. روی آن ها اسم کمک درسی

مثل سایر چیزهایی که از کنکور صدمه خورده اند با آن ها برخورد شود، چون بحث را خدشه دار خواهد کرد. کتاب های آموزشی با هدف نوشته می شوند. به نظر من، دو هدف اساسی در کتاب های آموزشی مطرح هستند: اول کمک به دانش آموزان برای یادگیری بیش تر، عمیق تر و مؤثرتر، و دوم، ارائه ی روش ها و پیشنهادهای جدید به معلمان و برنامه ریزان درسی و مدرسان. در حال حاضر، بعضی از کتاب ها این هدف ها را دنبال می کنند. کتاب های آموزشی باید بتوانند بچه ها، معلمان و برنامه ریزان را هدایت کنند. وارد بحث کنکور، سؤالات استاندارد و یا اسامی دیگر شدن، بحث را خدشه دار می کند. کتاب های آموزشی را می توان به دو



بگذاریم یا هر اسم دیگری، فرق زیادی ندارد. اسم زیاد مهم نیست و بهتر است، زمانی را که قرار است صرف نامگذاری کنیم، به ریشه‌یابی مسأله بپردازیم. می‌توانیم از ناشران این کتاب‌ها پرسیم: چرا کتاب‌ها را مطابق برنامه‌های درسی تولید نمی‌کنند؟ چرا برای تولید کتاب، کار کارشناسی انجام نمی‌دهند؟ یا چرا برای تطبیق تولیدات با محتوای برنامه‌ی درسی تلاش نمی‌کنند؟

به عنوان یک ناشر خصوصی، اولین سؤالی که پس از شنیدن این مطلب به ذهنم می‌رسد، این است که: برنامه‌ی درسی کو؟ یک برنامه‌ی درسی تخیلی که ارائه و آموزش داده نشده و حتی به درستی تدوین نشده است. آیا در حال حاضر ما با یک برنامه‌ی درسی منظم و مدون سروکار داریم یا خیر؟ این برنامه را بارها خواسته‌ایم. البته در بعضی از درس‌ها نسخه‌های آزمایشی این متون را دیده‌ایم، اما برنامه‌ی کامل درسی خیر! سؤال ما این است که برنامه‌ی درسی کجاست تا ما و دیگران بر مبنای آن کتاب تولید کنیم؟ اگر وجود دارد، باید روی سایتی قرار بگیرد تا همگان به آن دسترسی پیدا کنند.

از طرف دیگر، نباید از من ناشر انتظار داشته باشند که برنامه‌ی درسی را به طور تمام و کمال محور کار خود قرار دهم و بر مبنای آن کتاب آموزشی تولید کنم. به این برنامه انتقاداتی وجود دارد. مثلاً، همه ما سال‌ها ریاضی خوانده‌ایم و مسأله حل

کرده‌ایم، ولی یک بار هم مطرح نشد که دانش‌آموز با چه شیوه‌ای مسأله حل کند، نگاه و جریان تفکر او در حل مسأله چگونه باشد یا اصلاً سیر حرکت ذهن هنگام حل یک مسأله چیست. من احساس می‌کنم، اگر برنامه‌ی درسی به این موارد نپردازد، از لحاظ برنامه‌ریزی ناقص است. و یا کتاب فلسفه‌ی سوم متوسطه، داستان زندگی افراد است و فلسفه‌ای در آن نیست.

من به عنوان یک ناشر خصوصی، برنامه‌ی درسی مبنای این کتاب را قبول ندارم و احساس می‌کنم که خود این برنامه نقص دارد.

بحث دیگری که همیشه از آن به عنوان یک عامل مخرب یاد می‌شود، مسأله‌ی کنکور است. من نمی‌دانم چرا در هر جمع و محفل آموزش و پرورش که می‌نشینیم، این قضیه دائماً مطرح می‌شود، که کنکور چه صدماتی زده است. به فرض که این طور باشد، باید بررسی کرد، چه قدر از مشکلات تقصیر کنکور است؛ مثلاً اگر دانش‌آموز سوم دبستان ریاضی را خوب متوجه نشود، ربطی به کنکور ندارد. این خود جای تفکر دارد. منظور من این است که به نقطه ضعف‌های خود بپردازیم و خدای ناکرده فرافکنی نکنیم.

بنده به عنوان یک ناشر خصوصی، شخصاً به طور کامل با پاسخگویی سؤالات کتاب‌های درسی شدیداً مخالفم، اما این مسأله فقط در شرایط

کنونی جامعه‌ی ما وجود دارد و در کشورهای دیگر مطرح نیست. مثلاً ناشری کتاب «فیزیک هالیدی» را چاپ می‌کند و بعد از آن، پاسخ به مسائل کتاب را منتشر می‌کند و در بازار اروپا و آمریکا هم پخش می‌شود. این موضوع بسیار طبیعی است و دانشجوی آمریکایی به حل المسائل نگاه نمی‌کند. چرا عوارضی که در این جا شاهد هستیم، در کشورهای دیگری که چنین کتاب‌هایی را انتشار می‌دهند، وجود ندارد؟

به گمان من، یکی از دلایل بروز چنین مشکلی، وجود بستر فرهنگی خاصی است که ما در آن هستیم و باید به شکل ریشه‌ای درباره‌ی آن فکر شود. سؤال آخری که مطرح شد، این بود که یک کتاب آموزشی مناسب با توجه به چه معیارهایی تألیف می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال باید به تحقیقات میدانی دست یازید. اگر از من پرسند که در حال حاضر سؤالات بر چه مبنایی تهیه می‌شوند، دو بخش را در ذهن دارم که معیارهای آن‌ها به خاطر تفاوت ماهوی و ذاتی که دارند، متفاوت است؛ بخش دولتی و بخش خصوصی. هر دوی این بخش‌ها جز بر مبنای یک سلسله از نیازهایی که بیرون احساس

می‌کنند، کار نمی‌کنند و فکر نمی‌کنند کتابی را تولید کنند که نیازی به آن حس نشود و کسی آن را نخواند.

اما براساس چه معیاری؟ من فکر می‌کنم، در حال حاضر فرهنگ کلی جامعه‌ی مؤلفان ما هم مثل بخش‌های دیگر جامعه که در حال گذار از مرحله‌ی خاصی است، هنوز خیلی معیارمند نشده است. جاریانی: در شاخه‌ی فنی و حرفه‌ای و کارودانش، ما برای همه‌ی رشته‌ها، برنامه‌ی درسی مدون داریم؛ در شاخه‌ی نظری اطلاع ندارم و دوستان باید توضیح دهند.

بحث آسیب‌های کنکور هم مربوط به سال سوم و پیش‌دانشگاهی نیست. متأسفانه از سال اول ابتدایی وارد نظام می‌شود. اگر بررسی کنید می‌بینید که از سال اول، تست دادن به بچه‌ها شروع می‌کنند و به او یاد می‌دهند که چگونه چند گزینه‌ای را پاسخ دهد. بزرگ‌ترین مشکل از این جا ناشی می‌شود

که می‌گویند، این درس‌ها در کنکور می‌آید؛ یعنی بقیه‌ی درس‌ها حذف! مثلاً زمانی زمین‌شناسی در درس‌های کنکور بود و همه می‌خواندند. از زمانی که گفتند از این درس سؤال نمی‌آید، دیگر هیچ کس آن را

**بحث آسیب‌های کنکور
هم مربوط به سال سوم
و پیش‌دانشگاهی
نیست. متأسفانه از
سال اول ابتدایی وارد
نظام می‌شود**

نمی خواند. یعنی متأسفانه درس ها را به درس های خوب و بد تقسیم کرده اند و درس های بد به طور کلی کنار گذاشته می شوند.

گویا: طبقه بندی آقای مجدفر را بسیار پسندیدم که به هر حال کتاب آموزشی، کتاب آموزشی است و هر کاری که انجام دهد در جهت آموزش است.

پس کتاب کمک آموزشی به آن شکل معنا ندارد. در نتیجه من فکر می کنم، هر قدر به تنوع و تکرار این زمینه در ایران بیش تر توجه شود، به موازات آن جامعه بیش تر از حق و نوع انتخاب خود مطلع می شود. در

نتیجه ما نباید جلوی محصول را بگیریم و نگران باشیم. همیشه باید نگران این باشیم که افراد توانایی انتخاب کردن نداشته باشند. من شخصاً به عنوان یک آموزشگر فکر می کنم که اگر تلاش شود و توانایی جامعه را در بخش «انتخاب» افزایش دهیم، خودبه خود مسأله حل می شود. به هر حال محصول عرضه می شود و افراد یا می خرند یا نمی خرند.

یکی از مشخص ترین نمونه های نظام آموزشی غیرمتمرکز از نظر آموزشی، آمریکاست. آمریکا طبق قانون اساسی خود حق ندارد که آموزش را در سطح فدرال تجویز یا توصیه کند. ایالت ها مسئولیت آموزشی ایالت خود را به عهده دارند. در همین نظام به ظاهر چنین غیرمتمرکز، در تمام ایالت ها، تعداد ناشرانی که کتاب های درسی آن ها در

مدرسه ها تدریس می شوند، از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی کند. آیا ناشران غیر عمده امکان به اصطلاح رقابت با ناشران اصلی را ندارند؟ چرا این اتفاق در نظامی که طبق قانون این چنین غیرمتمرکز است می افتد؟

به شکل مرموزی در ایالت فلوریدا، هاوایی، بوستون و لس آنجلس، شما شاهد کتاب های درسی مشترک هستید؛ حتی کتاب های درسی قطور و کتاب های درسی ۸۰۰ صفحه ای. به همکاری که فرمودند، برنامه ی درسی در جایی وجود ندارد و بیش تر براساس موهومات است، عرض می کنم که این گونه نیست و فکر می کنم که این برنامه وجود دارد.

کتاب درسی تجلیگاه برنامه ی درسی است. اگر می خواهید برنامه ی درسی را پیدا کنید، کار سختی نیست، در گاو صندوق و جای دیگری هم حفظ نشده است. به کتاب های درسی مراجعه کنید و برنامه ی درسی را از درون کتاب درسی بیرون بیاورید. این روشی است که در تمام کشورهای با نظام های متمرکز، مثل



مجموعه‌ی جنوب شرقی آسیا، کشورهای همجوار خودمان و فرانسه وجود دارد. در نتیجه، برای پیدا کردن ریز برنامه می‌توانیم به آن‌ها مراجعه کنیم.

دیگر این که وقتی می‌گوییم کتاب کمک‌درسی، اعلام می‌کنیم که بی‌کفایت هستیم و در بخش کتاب درسی توانسته‌ایم کارمان را به درستی انجام دهیم، پس نیاز به کمک از بیرون داریم. من شخصاً با این نگاه به کتاب و به صورت جنبی مخالف هستم. چون فکر می‌کنم که آن‌ها هیچانی ایجاد می‌کنند که خانواده‌ها و جامعه را وادار به خرید و استفاده از این کتاب‌ها کنند؛ از ترس این که مبدا نکته‌ای جا بيفتد. اما درباره‌ی کتاب‌های آموزشی، من بسیار علاقه‌مندم که در ایران بیش‌تر با این دیدگاه کتاب تألیف شود تا انتخاب‌های افراد را هم بیش‌تر و بیش‌تر کند. تخصص اصلی من حل مسئله است.

ما وقتی می‌خواهیم نگاه حل مسئله را در دانش‌آموز ایجاد کنیم و رویکردهای حل مسئله را آموزش دهیم، باید توجه داشته باشیم، حل مسئله یعنی تنوع و تکرار، یعنی اجازه‌ی انتخاب و مسؤولیت انتخاب را پذیرفتن. پس کتاب‌های آموزشی می‌توانند نقش سازنده‌ای در این مورد داشته باشند.

یعنی می‌توانند به موضوع درسی که در کتاب مطرح شده، از جنبه‌های متنوع و متفاوت بپردازند.

مسئله‌ی دیگر این که باید بتوانیم، ساختار مسئله را به دانش‌آموزان آموزش دهیم. به دانش‌آموز یاد دهیم که از طریق نگاه حل مسئله‌ای که پیدا کرده است، بتواند مسئله را در زمینه‌ها یا در موقعیت‌های متفاوت حل کند. نگاه حل مسئله‌ای می‌گوید که برای هر مسئله ده‌ها راه حل وجود دارد و این به شرایط و انتخاب شما بستگی دارد. تا وقتی که شما بتوانید از راه‌حلی که انتخاب کرده‌اید، دفاع کنید، محترم و قابل قبول است. این در ظرفیت یک کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای درسی نیست.

اما کتاب‌های آموزشی می‌توانند کمک کنند، بچه‌ها با چنین تنوع و تکراری آشنا شوند.



در طرح سامان بخشی است. همه ی ما می دانیم، جشنواره ای که برگزار می کنیم، گفت وگوهای علمی که داریم، کتابنامه هایی که تولید می کنیم و تمامی فعالیت هایی که داریم، همه حول محور هدف های برنامه ی درسی دور می زنند. پس تلاش ما به معنی محدود کردن ناشران نیست.

در آغاز اجرای این طرح، ناشران بخش خصوصی به نگرانی افتاده بودند که نکند آموزش و پرورش می خواهد ما را محدود کند. ولی ما به تدریج اعلام و ثابت کردیم که نه تنها به دنبال محدود کردن ناشران نیستیم، بلکه به دنبال حمایت از ناشران و پدیدآورندگان هستیم و شرایط را برای آن ها تسهیل می کنیم. این حمایت صرفاً هم حمایت اقتصادی نیست. همان طور که آقای میثمی مطرح کردند، اعلام هدف های آموزش و پرورش در برنامه ی درسی خود نوعی حمایت است. یا همین کاری که در دفتر انجام می دهیم و برای هر رشته و هر درس اسنادی را تولید می کنیم که ممکن است در اصل برنامه ی درسی باشند هم نوعی حمایت است. در مجموع، ما نقش خود را در وزارت آموزش و پرورش، نوعی حمایت کارشناسانه از ناشران بخش خصوصی می دانیم.

من در یک جمله این طور نتیجه گیری می کنم که ما به دنبال استفاده از ظرفیت بخش غیردولتی برای تحقق هدف های

در نتیجه، من در پاسخ به این سؤال که کتاب های موجود براساس چه معیارهایی تألیف می شوند، می گویم، چون کتاب های موجود را زیاد خوانده ام، یعنی حداقل ۷۰۰ عنوان کتاب ریاضی چاپ شده را از ابتدایی تا پایان متوسطه خوانده ام، فکر می کنم که این کتاب ها در خدمت نیاز تصور شده برای دانش آموزان هستند و امیدوارم که واقعاً این ظرفیت نشر بیش تر به سمت بحث هایی که ذکر شد برود و براساس معیارهای محکم تر و قابل دفاع تری، کتاب چاپ شود.

حاجیان زاده: ادب حکم می کند که در ابتدای جلسه به دوستان و استادانی که حضور دارند، خیر مقدم عرض کنم.

من تنوع و تکثر را در کتاب های آموزشی و کمک آموزشی واقعیت مبارکی می دانم. چون ذائقه ها، استعدادها و سطوح دانش آموزان متفاوت است و قاعداً نباید یک نسخه برای همه ی آن ها بپیچیم.

اما آنچه که نگران کننده است و باعث شد که ما به سمت «طرح سامان بخشی»

برویم، همانا هدف روشن و مشترکی است که باید در این تنوع و تکثر خود را نشان دهد. در واقع، همه باید به یک سمت پیش برویم و مخاطبان خود را به یک سمت هدایت کنیم؛ منتها با شکل های متنوع و متعدد. همان طور که در صحبت های قبلی

هم گفتم، هدف های آموزش و پرورش و یا به تعبیر روشن تر و واضح تر، هدف های برنامه ی درسی، محور تمام فعالیت های ما

آموزشی کشور هستیم و این را مبارک می دانیم.

هدف دیگری که ما در این زمینه باید

چون دولت هر قدر هم از توان خود استفاده کند، نمی تواند با توان بخش خصوصی برابری کند. ما با این اقدام، هم به نفع هدف های آموزشی و هم به نفع ناشران حرکت خواهیم کرد.

دنبال کنیم، توسعه ی مهارت های علمی است. متأسفانه نظام آموزشی ما به سمت حافظه محوری می رود. بچه ها برای این که پاسخ سؤالی را حفظ کنند و بتوانند در امتحان به آن سؤال پاسخ دهند، به دنبال حل المسائل می روند. به سؤال آقای میثمی که پرسیدند: چرا در کشورهای دیگر به دنبال حل المسائل نمی روند، من این گونه پاسخ می دهم که برای دانش آموزان آن ها این نیاز ایجاد نشده است که حتماً سؤال را به همان شکلی که در کتاب درسی آمده است، پاسخ دهند. چه در نظام آموزش رسمی که محور است، و چه در نظام آموزشی غیررسمی، ما باید به مهارت های علمی توجه کنیم و آن را توسعه دهیم.

یکی از هدف های کتاب های آموزشی یا کمک آموزشی، دانش افزایی است که با توجه به استعداد های متفاوت بچه ها باید انجام پذیرد. ما معتقدیم، آنچه که در کتاب درسی تألیف می شود، حد متعارفی است که برای همه ی دانش آموزان در سطوح متفاوت الزامی است. به همین دلیل هم آن را آموزش رسمی تلقی کرده ایم و همه ی بچه ها باید این سطح از دانش را به دست بیاورند. اما دانش آموزانی هم داریم که نیاز های بالاتری در زمینه ی دانش افزایی دارند. این دسته را هم نباید محروم و به کتاب درسی محدود کنیم و باید امکانات درسی بالاتری در جهت دانش افزایی در اختیارشان بگذاریم. در عین حال، دانش آموزانی داریم که حتی همین مطالب کتاب درسی برایشان مشکل است و برای درک آن ها، به مطالب ساده و تسهیل کننده نیاز دارند.

نکته ی بعد، توسعه ی فرهنگ مطالعه است. به گمان من، اگر ما بتوانیم نقش فرهنگ مطالعه را بالا ببریم و دانش آموزان را با کتاب و مطالعه آشتی دهیم، چه بسا در یادگیری به شکل غیر مستقیم به آن ها کمک کرده ایم. ممکن است که در کتاب، ما محتوای درسی را در اختیار دانش آموز نگذاریم، اما بتوانیم او را به کتاب خواندن علاقه مند کنیم. همین ایجاد علاقه، گامی است در جهت کمک به فرایند یادگیری دانش آموز.

پس استعدادهای دانش آموزان، هم ممکن است پائین تر از سطح رسمی باشد که باید مطالب را برایشان تسهیل کنیم، و هم ممکن است بالاتر از سطح رسمی باشد که باید دانش افزایی ویژه ای برای این دسته

صحبت هایم را این طور جمع بندی می کنم که ما می خواهیم بین پدیدآورندگان و سیاستگذاران آموزش و پرورش تعاملی

به وجود آوریم. اگر پدیدآورندگان احساس می کنند که نیاز به آشنایی با هدف های آموزش و پرورش دارند، طرح مسأله کنند و خودشان هم به تدوین هدف های آموزشی که به تعبیر خانم گویا در کتاب های درسی وجود دارند و فقط باید تدوین و ارائه شوند، کمک کنند. متقابلاً، اگر بخش خصوصی احتیاج به حمایت برای رونق بازار خود دارد، سیاستگذاران هم باید به این بخش کمک کنند. من فکر می کنم که هدف طرح سامان بخشی، ایجاد تعامل میان پدیدآورندگان و سیاستگذاران است.

مجددفر: آقای حاجیان زاده توضیح دادند، کتاب کمک درسی می خواهد به کمک کتاب درسی بشتابد. نمونه ی بارز این کار را در فرهنگ های مدرسه و فرهنگ معاصر می بینم؛ فرهنگ های فارسی به فارسی، فارسی به انگلیسی و مانند این ها. اسم این گونه کتاب ها را چه می گذاریم؟

کمک درسی، کمک آموزشی یا... این کتاب ها دقیقاً بر مبنای کتاب های درسی و برنامه ی درسی تدوین شده اند، منتها برای دانش آموزانی که می خواهند اطلاعات خود را فراتر از کتاب درسی توسعه بدهند، ضروری هستند و برای دانش آموزی که می خواهد فقط در حد کتاب زبان مدرسه اش کار کند، ضروری نیستند.

موسایی: یکی از مشکلات ما در مدرسه ها، استفاده نکردن از کتاب های مرجع است که این ضعف جای بحث و گفت و گو دارد. با آن که ۳-۴ سالی است،

بخش کتاب مرجع به بعضی از کتاب ها اضافه شده است، هنوز این بخش جدی گرفته نمی شود. این موضوع را از وضعیت تقاضا برای کتاب های مرجع متوجه می شویم. متأسفانه در استفاده از این کتاب ها ضعف هایی وجود دارد. از جمله این که با کمال تأسف، وقتی از بعضی دبیران می پرسیم، چرا کتاب مرجع را معرفی نمی کنید، می گویند استفاده از کتاب مرجع برای خود ما دشوار است و اگر شاگردی سرکلاس سؤال کند، این لغت را چگونه پیدا کنیم و کاربرد آن به چه شکلی است، در خیلی از موارد دچار اشکال می شویم.

در مورد تولید کتاب های مرجع برای کودکان و نوجوانان، واقعیت امر این است که در مملکت ما چنین سنتی وجود نداشته است. شما اگر همین امروز به بازار کتاب



این در حالی است که کار ما اصولی و بر پیشرفت‌های روز دانش زبان‌شناسی مبتنی است. در چنین وضعیتی، پرسش من این است که آیا تلفظ IPA تاکنون در مدرسه‌های ما کاربردی داشته است؟ وقتی که استادان زبان انگلیسی ما از تلفظ IPA عاجز هستند، بچه‌ها چه طور می‌خواهند آن را یاد بگیرند؟ ما چون تلفظ را برای بچه‌ها ساده کرده‌ایم، با چنین مشکلی روبه‌رو شده‌ایم. به نظر من، کار کارشناسی بیش‌تری باید صورت بگیرد. ما الگوی این کتاب‌ها را از خودمان در نیاورده‌ایم.

کتاب‌های مرجع چند کشور را که برای بچه‌ها نوشته بودند، ملاک قرار داده‌ایم. بعد دیدیم که کتاب مخصوص مدرسه‌ها باید به ساده‌ترین شکل ممکن، مصور، فریبا و چشم‌نواز باشد. ما هم همین کار را کردیم، ولی متأسفانه از آن طرف به جای تشویق، چنین برخوردهایی با ما می‌شود. ما نباید براساس این الگوی خیلی سخت که به هیچ‌کدام از بچه‌های ما زبان نمی‌آموزد، آموزش زبان را جلو ببریم.

فروغی: ای کاش در این جلسه، از کارشناسان مسؤول «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف» هم چند نفری حضور داشتند تا پاسخگو باشند. چرا که وقتی از کتاب آموزشی یاد می‌کنیم و مرتب آن‌ها را به کتاب درسی مرتبط می‌سازیم، حضور آن‌ها می‌توانست بسیار مؤثر باشد. به جاست، از سرکار خانم گویا تشکر کنم که مدافع کتاب‌های درسی هستند.

ایران بروید و کتاب‌های مرجع برای کودکان و نوجوانان را جست‌وجو کنید، کتاب چندانی پیدا نمی‌کنید. کتاب‌های موجود هم از نگاه کارشناسی برخوردار نیستند. برای مثال، فرهنگی به اسم فرهنگ کودکان و نوجوانان وجود دارد. می‌دانیم که شاخصه‌ی اصلی چنین فرهنگی باید تصویر باشد، تا بتواند کودک را جلب کند، در حالی که انگار این کتاب برای یک آدم ۹۰-۸۰ ساله تدوین شده است. یعنی ما در آغاز راه تولید کتاب مرجع برای کودکان و نوجوانان هستیم، اما در همین آغاز هم مشکلات زیادی وجود دارد.

نگاه ما در بخش خصوصی به کتاب مرجع و تولید کتاب برای کودکان و نوجوانان، نگاهی کلی است و صرفاً مدرسه‌ها را در نظر نمی‌گیریم. البته مدرسه پایه‌ی کار ما است، ولی حوزه را وسیع می‌گیریم. در همین جا، وقتی اصول اساسی و درستی را پیش می‌گیریم، متأسفانه با مشکل مواجه می‌شویم. همان فرهنگ‌های مدرسه‌ای را که به زبان‌های متفاوت انگلیسی، آلمانی یا فرانسه منتشر شده‌اند، مثال می‌زنم. ما برای تألیف این کتاب‌ها، تحقیق کردیم که کشورهای توسعه‌یافته‌ی دنیا چه می‌کنند، و ما هم همان کار را کردیم. با این حال، از آموزش و پرورش به ما تلفن می‌زنند و می‌گویند، این کتاب خوب تشخیص داده شده است، ولی چون تلفظش، تلفظ IPA نیست، ما نمی‌توانیم آن را معرفی کنیم.

این دوران ۱۲ سال، آماده کردن بچه‌ها برای یک مقطع از زندگی است - اما این کتابخانه‌ها از انواع تست زبان انباشته‌اند.

من معلم زبان هستم که مدتی به نوعی در کتابخانه‌های مدرسه‌ها فعالیت کرده‌ام، ده‌ها کتاب متفاوت را ورق زده‌ام و متوجه شده‌ام که هیچ کدام طبق تعریف‌ها و معیارها و استانداردهای آموزش و پرورش نیستند. جزوای هستند از آنچه در کتاب‌های درسی نوشته شده‌اند، برای پاسخ به سؤالات کنکور و چه بسا پر از غلط. اگر ما ذائقه‌ای را که آقای فروغی گفتند، و نیازی را که خانم گویا فرمودند، به هم نزدیک کنیم، به نیازی واقعی و ذائقه‌ای متعادل که به سمت و سوی کتاب‌های علمی تر تمایل دارند، دست می‌یابیم.

فکر می‌کنم راه حل این باشد که کتابخانه‌های مدرسه‌ها را با کتاب‌هایی که ما سیاست‌گذاران مطلوب تشخیص می‌دهیم، تجهیز کنیم. شاید درست نباشد که نام بیرم، ولی کتاب‌هایی که استاد پرویز شهریاری در زمینه‌ی ریاضیات تألیف یا ترجمه کرده‌اند و یا کتابی که پارسال خواندم

همان‌طور که ایشان گفتند، برنامه‌ها را داریم، منتها باید به کتاب‌های درسی مراجعه و آن‌ها را پیدا کرد.

به نظر من، استفاده از واژه‌های استاندارد و هدفدار، مشکل مدرسه‌ها را برای انتخاب کتاب حل نمی‌کند. تولید چنین کتاب‌هایی، دشوار نیست. یعنی ناشر برای تولید کتاب استاندارد و در نظر گرفتن هدف‌ها هیچ مشکلی ندارد، اما متأسفانه ما از این کتاب‌ها بد استفاده می‌کنیم. با یک چاقو هم می‌توان میوه پوست کند و هم خدای ناکرده به کار نادرستی دست زد. این به عدم استفاده صحیح جامعه از این کتاب‌ها بر می‌گردد. دو سال پیش، در جشنواره‌ی رشد گفتم که ما باید ذائقه‌ی مخاطبان خود را تغییر دهیم. وقتی ذائقه‌ی مخاطبان جامعه‌ی ما به سمت بهره‌گیری از کتاب‌های نه چندان مطلوب است، ما باید ذائقه را تغییر دهیم، وگرنه گناهی از حیث استاندارد و یا هدفدار نوشتن، متوجه ناشر نیست.

حکمی: من فکر می‌کنم راه حل مشکل این است که سیاست‌گذاران تدوین این کتاب‌ها، اعم از این که در بخش خصوصی باشند یا در بخش دولتی، بالا بردن ذائقه و کم کردن نیازهای کاذب را محور کار خود قرار دهند.

شما اگر به کتابخانه‌ی مدرسه‌ها سر بزنید، می‌بینید که گرچه آموزش برای دانشگاه از وظایف آموزش و پرورش نیست - وظیفه‌ی آموزش و پرورش طی



به نام «دنیای سوفی» که در زمینه‌ی فلسفه برای کودکان و نوجوانان است و فلسفه را به قشنگ‌ترین شکل ممکن، آموزش می‌دهد، مناسب هستند. اگر این گونه کتاب‌ها را به کتابخانه‌ی مدرسه بدهیم، هم بچه‌ها کتاب‌خوان می‌شوند و هم آن نیاز کاذب را کاهش داده‌ایم.

مجدفر: «طرح سامان‌بخشی» چهار سال است که شروع شده، ولی به هیچ عنوان انتظار نداریم همین امروز و فردا یا دو سال دیگر به نتیجه برسد و بازار آشفته‌ای را که سال‌هاست وجود دارد، یک باره اصلاح کنیم و به تدریج باید اصلاح شود. البته ما به عنوان سیاستگذار دفتر انتشارات کمک‌آموزشی وزارت آموزش و پرورش از کتاب‌های مناسب حمایت می‌کنیم. من خواهش می‌کنم، آخر کتاب‌های درسی را ورق بزنید و فهرست نام کتاب‌هایی را که معرفی شده‌اند، نگاه کنید. اغلب ناشرانی که کتاب‌هایشان برگزیده شده‌اند، اظهار رضایت می‌کنند که مثلاً دو یا سه ماه پیش از سال تحصیلی گذشته، بعضی از کتاب‌هایشان به چاپ چهارم و پنجم رسیده است. و یا مدیران خوش فکر به دنبال این هستند که کتاب‌های معرفی شده را به کتابخانه‌های مدرسه‌ها بپارند تا بچه‌ها به آن‌ها دسترسی پیدا کنند.

مختاباد: بحث بازار تقاضا در عرصه‌ی آموزش و پرورش و چگونگی شکل‌گیری آن، اندکی پیچیده است؛ چرا که با معیارهای یک تقاضای واقعی که بستری واقعی آن را شکل می‌دهد، متفاوت است. در این بازار، پرسش‌هایی که در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرد، پرسش‌هایی برآمده از نیاز درونی آن‌ها به عنوان دانش‌آموزی که می‌خواهد، مراحل رشد و تکامل خود را آزادانه و مختار و با توجه به فطرت انسانی اش طی کند، نیست. این بازار براساس آن چیزی شکل می‌گیرد که حلقه‌های واسطه‌ای، چون طراحان تست سؤال و کنکور و مانند آن‌ها، به شکلی ناخودآگاه، مهار آن را در دست دارند. هر قدر هم آموزش و پرورش در این سال‌ها تلاش ورزیده است که با رهنمودهای دستوری فضا را تغییر دهد، موفق نشده است؛ چرا که دانش‌آموز اگر چه برای سؤال‌های خود پاسخی نمی‌یابد، اما دست کم در می‌یابد که با خواندن همین تست‌ها و قبولی در کنکور، می‌تواند حداقلی آینده‌ای نیمه تضمین شده و منزلت اجتماعی حداقلی در جامعه برای خویش دست و پا کند.

به گمان من، برای تغییر این فضا نیازمند تغییر در دو عرصه‌ی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری هستیم و در عرصه‌ی نرم‌افزاری باید نگاه معلمان و مدیران مدرسه‌ها را به این مقوله تصحیح کنیم و حتی برای معلمان و مدیرانی که دانش‌آموزان را به سمت مطالعات عمیق سوق می‌دهند، بسترهای تشویقی فراهم کنیم. از سوی دیگر، در عرصه‌ی

پیدانمی کند. کتاب درسی باید کتاب مرجع باشد و همان طور که آقای حاجیان زاده فرمودند، اگر دانش آموز می خواست مطلب بیش تری بداند یا سرعت خود را بیش تر کند، بتواند از منابع دیگری کمک بگیرد.

به نظر من برای ایجاد نیاز، جامعه باید به نوعی به من کمک کند که سطح توقعم را بالا ببرم. یکی از راه های بالا بردن سطح توقع، با رعایت تنوع و با نگاه حل مسأله ای، همین بحث پژوهش های دانش آموزی است که در حال حاضر بدجا افتاده است. در وضع فعلی، پژوهش های دانش آموزی بار اضافی تحمیل شده ای بر دوش پدران و مادران و خانواده ها هستند. پژوهش دانش آموزی یعنی چگونگی استفاده از مراجع.

وظیفه ی ما، متنوع و غنی کردن منابع تحقیقی و قراردادادن این منابع در دسترس دانش آموز و دانشجوست. اگر کتاب تست می خواهند، از بیرون تهیه کنند. ما نباید

سخت افزاری همه باید به سراغ تأسیس کتابخانه های مدرسه ها و تجهیز آن ها با کتاب هایی که مورد نیاز دانش آموزان هستند برویم، نه این که این کتابخانه ها را با کتاب هایی که ما مناسب تشخیص می دهیم، تجهیز کنیم. نظر سنجی از دانش آموزان و استفاده از کارشناسان معرب کتاب شناسی در این حوزه، از جمله بسترهایی هستند که باید فراهم شوند.

گویا: دفتر تألیف و برنامه ریزی درسی در این مدت چیزهایی نوشته است، ولی واقعیت این است که آنچه نوشته شده، تعریف برنامه ی درسی و راهنمای برنامه ی درسی نیست. چون همان طور که می دانید، هر کاری برای خود تعریفی دارد.

مسأله ی ایجاد نیاز، بحثی بسیار جدی برای هر کار جذاب غیر دولتی است. کسی که می خواهد حتی کالایی مثل پفک را بفروشد، اول برای آن نیاز ایجاد می کند.

در این جا مسأله ی مهم این است که ما می خواهیم بدانیم، برای کتاب های آموزشی چگونه می شود ایجاد نیاز کرد. برادرزاده ام که مدرسه ی نسبتاً خوبی می رود، در حالی که دو ماه از مدرسه می گذرد، یک کلمه هم از کتاب درسی خود را نخوانده و فقط تمرین ها را از کتاب حل کرده است. یعنی کتاب درسی به کتاب تمرین تبدیل شده است. حرف من این است که به این شکل کتاب درسی ارتقا



عرضه کنیم و در واقع آدرس غلط به آن‌ها بدهیم. من فکر می‌کنم، پژوهش‌های دانش‌آموزی نیازهای آموزشی بچه‌ها را متنوع‌تر می‌کنند.

ما تا وقتی نگاه خود را به ارزیابی تغییر ندهیم، کتاب آموزشی به کتاب تست تبدیل می‌شود؛ حالا با هر جلد و زورورق جدیدی

که به بازار بیاید. رویکرد ارزشیابی باید تغییر کند و معلمان تحت فشار ارزشیابی‌های بیرونی و اعلام نتیجه برای ارزشیابی نباشند. در کتاب‌های درسی غرب که ما هم از روی آن‌ها اقتباس کرده‌ایم، برای هر فعالیت آموزشی علوم ۱۵-۱۴ فعالیت معرفی شده است. این به معنای آن نیست که چکیده‌ی آن‌ها را به بچه‌ها تحمیل کنیم. به این معناست که حول این ۱۵-۱۴ فعالیت و به همین تعداد، می‌شود کتاب آموزشی تألیف کرد. یعنی کتاب‌هایی که به بچه‌ها کمک می‌کنند، با رویکردهای متفاوت به مفاهیم علوم نگاه کنند.

جاریانی: به نظر من اصلاً باید نیازآفرینی کرد، نه نیازسنجی. باید کاری کرد که دانش‌آموزان وارد مقوله‌های جدید شوند و بحث‌های جدیدی را یاد بگیرند. متأسفانه در سیستم آموزشی ما وقتی بحث

امتحانات نهایی مطرح می‌شود، دیگر همه سعی می‌کنند که در وهله‌ی اول، بچه‌ها در امتحان نهایی قبول شوند و نمره‌ای بگیرند. آموزش خیلی بسته است و خانواده‌ها با هر بضاعتی که دارند، معلم خصوصی می‌گیرند تا فرزندانشان امتحان را بگذرانند.

بچه‌ها در بخش فنی و حرفه‌ای در درس رایانه، از معلمان قوی‌تر هستند؛ یعنی هم ذهن خلاق و بازی دارند و هم فناوری در اختیارشان است. خود رسانه‌ها هم کمک می‌کنند که نیازهای جدیدی تعریف شوند. ولی متأسفانه، چون برنامه‌ی آموزش بسته است، به این نیازها پاسخ داده نمی‌شود و در نهایت، آموزش به یک سلسله فرمول‌های ریاضی و درس‌هایی محدود می‌شود که بچه‌ها باید حفظ کنند.

ما بچه‌ها را لای زورورق بزرگ می‌کنیم، به نحوی که کوچک‌ترین مشکلات خود را نمی‌توانند حل کنند. دانش‌آموز ممکن است در کنکور رتبه‌ی زیر ۱۰۰ هم بیاورد، ولی در زندگی رتبه‌ی زیر یک میلیون می‌آورد؛ به خاطر این که هیچ‌کس به او تربیت شهروندی را یاد نداده است. این جاست که وظیفه‌ی ناشران و دست‌اندرکاران نشر سنگین‌تر می‌شود. یعنی آن‌ها هم اگر در وادی تولید تست بیفتند، دائم تست بنویسند و کتاب بیرون دهند، و از بحث‌های تربیت اجتماعی غافل شوند، این معضل تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت.



میشمی: من آمارهای سازمان سنجش را بررسی می‌کردم، دیدم که میانگین پاسخگویی حدود ۴۲ هزار نفر داوطلب رشته‌ی تجربی در کنکور سراسری، به حدود ۳۰ سؤال ریاضی که در کنکور مطرح می‌شود، یک سؤال است. یعنی نزدیک نیم میلیون نفر فقط به یک سؤال پاسخ می‌دهند. در رشته‌ی انسانی هم، میانگین جمعیت نیم میلیون و خورده‌ای برای پاسخگویی به ۲۰ سؤال ریاضی صفر است. واقعاً چه آموزشی به این جمعیت نیم میلیونی داده می‌شود که میانگین پاسخ آن‌ها صفر است؟

رفتم و سنجشی را که خود آموزش و پرورش انجام می‌داد، بررسی کردم. میانگین دیپلم در رشته‌ی تجربی یک سال، ده و خورده‌ای و زیر یازده بود و در رشته‌ی انسانی در خرداد زیر ده بود.

من از این قضیه این‌گونه برداشت می‌کنم که ما اگر همان روز که مطلبی را به دانش‌آموز رشته‌ی انسانی آموزش می‌دهیم، از او امتحان بگیریم، کم‌تر از نصف مطلب را بلد است. و اگر بعد از ظهر همان روز امتحان بگیریم، دیگر بلد نیست.

نتایج تحقیق دیگری نشان می‌دهد، اگر دو سه روز بعد از امتحان، برگه‌ی همان امتحان را جلوی دانش‌آموز بگذاریم، تقریباً کم‌تر از ۳۰ درصد از آن‌ها نمره‌ای را می‌گیرند که در امتحان قبل گرفته‌اند. ولی اگر برگه را سه ماه بعد در اختیارشان

بگذاریم، بدون این که به آن‌ها بگوییم این را قبلاً امتحان داده‌اید، کم‌تر از ۳۰ درصد نمره‌ای را هم که سه ماه قبل گرفته‌اند، نمی‌گیرند. من بر مبنای تحقیقات معتقدم، برنامه‌ی درسی ریاضیات رشته‌ی انسانی، متناسب با توان تدریس معلمان تدوین نشده است. ترجیح دارد که مطالب به نصف یا به یک سوم کاهش پیدا کند. از اول تا آخر سال، معلم باید در پی این باشد که به نحوی، این حجم سنگین را به دانش‌آموز آموزش دهد و او را به نمره‌ی قبولی برساند. آیا دانش‌آموز رشته‌ی انسانی و کسی که می‌خواهد اقتصاد این مملکت را بگرداند، نباید ریاضی بداند؟

شما هر قدر به ناشر بگویید که برای علاقمندسازی دانش‌آموز به ریاضی کتاب آموزشی ویژه بنویس و من هم آخر از تو تقدیر می‌کنم، زیر بار نمی‌رود. می‌گوید، دانش‌آموز فرصتی ندارد که به کتاب‌های دیگر مراجعه کند. بنابراین من معتقدم که در این بستر باید تغییرات اساسی به وجود بیاید، تا میانگین نمره به ۱۴ برسد و وقتی نمودار تهیه می‌شود، بدانیم که ۲۵ درصد جمعیت دارای میانگین ۱۴ هستند و بعضی از آن‌ها بالای ۱۶/۵ می‌گیرند. در این صورت ما می‌توانیم، برای گروهی که نمره‌هایشان بالاتر از ۱۶ و ۱۷ است، کتاب آموزشی تولید کنیم.

گویا: در شروع کتاب ریاضی رشته‌ی علوم انسانی سال سوم، ما تابع را معرفی کرده‌ایم. چگونه؟ برای بچه‌ها توضیح

داده‌ایم که صدای جیرجیرکها در تابستان، در هنگام شب شنیده می‌شود، اما همین صدارا در زمستان کم‌تر می‌توان شنید. پس حتماً این موضوع به دمای هوا مربوط است. ما از این رابطه برای معرفی تابع استفاده کرده‌ایم.

اما کتاب‌های کمک‌درسی و معلمان عزیز چه می‌کشند؟ به تابع آن قدر شاخ و برگ می‌دهند و دامنه، برد و انواع توابع را توضیح می‌دهند که مفهوم اصلی گم می‌شود. شما اگر بخواهید مفاهیم کتاب را آموزش دهید، نمی‌توانید صد کتاب تولید کنید. باید طوری بنویسید که کمک‌درسی‌ها خریدار پیدا کنند. در نتیجه، بله! شما صحیح می‌فرمایید. وقتی که ارزشیابی و شاخ و برگ‌های بیرونی ربطی به ماهیت برنامه‌ی درسی نداشته باشند، زیاد اتفاق خواهد افتاد که نمره‌ی زیر ۱۰ داشته باشیم.

حرف من این است که ناشر در هیچ جای دنیا برنامه‌ی درسی را تدوین و سیاستگذاری نمی‌کند، بلکه در نهایت، در خدمت برنامه‌ی درسی است. اما بعضی از ناشران فعلی ما در خدمت برنامه درسی نیستند، آن‌ها در خدمت کنکور هستند. دانش‌آموز دیگر دنبال کتاب درسی و برنامه‌ی درسی نیست.

من از جامعه انتشاراتی و بخش‌های خصوصی و دولتی استدعا دارم که باور کنند، برنامه‌ی درسی حاصل سلیقه‌های پراکنده‌ی افرادی خاص نیست. برنامه‌ی درسی یک علم و یک حوزه‌ی مطالعاتی است. نظریه‌پردازی‌های خاص و نتایج پژوهشی پشتیبان خود را دارد. اگر به این‌ها توجه نشود، همان بلایی به سر همه‌ی کتاب‌ها می‌آید که تا الان آمده است. دانش‌آموز از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند، ولی هنوز یک بار هم کتاب‌های درسی خود را نخوانده‌اند. رتبه‌های خوبی هم آورده‌اند و همان‌طور که فرمودید، سوادشان بیش‌تر از چند ساعت دوام ندارد.

تقدیسبان: در حال حاضر، کتاب‌های آموزشی واقعاً تغییرات مثبتی کرده‌اند و با ۱۵-۱۰ سال پیش قابل مقایسه نیستند. زمانی به ما مأموریت می‌دادند، به کلاس فلان معلم که رفتید، اگر کتاب کمک‌آموزشی درس می‌داد، توصیه کنید آن‌را کنار بگذارد، چون کتاب کمک‌درسی برای بچه‌ها مناسب نیست. در حال حاضر دیگر این‌طور نیست. تغییرات مثبتی در کتاب‌های درسی، روش‌های تدریس و آموزش‌های معلمان ایجاد شده است و تغییری که در حال حاضر در کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی می‌بینیم، ناشی از همین تغییرات مثبت است.

بیات: به نظر من، سؤال اصلی این است که آیا کتاب‌های آموزشی باید به نیاز مخاطب، یعنی دانش‌آموز، پاسخ دهند یا به نیاز سیستم و دستگاه؟ چون به نظر می‌رسد که نیاز دانش‌آموز با نیاز آموزش و پرورش متفاوت است.

**بعضی از ناشران
فعلی ما در خدمت
برنامه درسی نیستند،
آن‌ها در خدمت
کنکور هستند**

سیستم ما آزمون محور است، در حالی که کتاب درسی برای آزمون تدوین نشده است. دانش آموز کتاب جایگزینی را که بیرون تدوین شده است، تهیه می کند تا به سیستم پاسخ دهد. یعنی دانش آموز درست حرکت می کند، ولی با این

اضلاع هم خوانی ندارد. و حالا سؤال من همین است که مشکل از دانش آموز است یا این که شاید برنامه‌ی درسی موجود خطا می رود. به نظر می رسد که کتاب های آموزشی ما یک نظام آموزشی جایگزین را غیرمستقیم مطرح می کنند، چون فکر می کنند نظام آموزشی موجود، قدرت، کفایت و تدبیر اداره و تربیت دانش آموختگان را برای دنیای جدید ندارد. دفتر انتشارات کمک آموزشی ادعا می کند، در اسناد خود که نوعی استانداردسازی است، سعی کرده این ۴-۵ ضلع را بگنجانند. به تعبیر دقیق تر، این دفتر مدعی است که سعی کرده، فقط به یک ضلع، مثلاً نیاز دانش آموز یا آموزش و پرورش توجه نکند، بلکه تحولات جدید و تطابق آن با زندگی عملی و دنیای امروز را هم ببیند. این که چه قدر موفق شده است، دوستان باید نظر دهند. من خواهش می کنم که اگر موافق هستید، روی این ۴-۵ اصل و اصول دیگری که

می خواهم بگویم، این دو نوع نیاز است و باید از هم تفکیک شود و نسبت هر یک را تعیین کنیم. البته فقط این دو نیست، به نظر من اصول دیگری هم هست. ما نمی خواهیم دانش آموز را برای امروز تربیت کنیم،

قصد داریم او را برای آینده تربیت کنیم. برای میسر شدن این کار، چه قدر باید با دانش آموز و با علوم نوین هماهنگ باشیم؟ این هم یک اصل و یک ضلع از آن اصول می تواند باشد. در واقع، کتاب های آموزشی ما تا چه میزان، خود را با تحولات علمی نوین هماهنگ کرده اند. ضلع سوم این اصول، ارتباط با زندگی است. مشکلی که در حال حاضر دانش آموزان ما دارند و کتاب را پس می زنند، و معلمان هم از عهده‌ی تدریس آن بر نمی آیند، این است که خیلی از کتاب ها طوری تدوین شده اند که با فضای زندگی عمومی دانش آموز ارتباط برقرار نمی کنند و ربطی به زندگی عینی و عملی شان ندارند. کتاب ها خیلی نظری هستند. بنابراین باید جنبه های کاربردی، علمی و مهارتی آن ها تقویت شود. یا حتی همین کنکور که بحث های منفی بسیاری راجع به آن شد و شاید در نظام آموزشی ما یک پارادکس منفی باشد، یعنی مدرسه و

دوستان بر این‌ها می‌افزایند، صحبت کنیم.

نادری: قدم اول برای بهینه‌سازی تولید کتاب‌های آموزشی برنامه‌ریزی است که گام اول آن نیازسنجی است. به نظر من به شایستگی و شاید بیش از ظرفیت به این بخش پرداخته شد. نکته‌ی بعدی در بحث برنامه‌ریزی، بعد از نیازسنجی این است که برای تولید یک کتاب، چه به صورت تک نگاشت و چه به صورت مجموعه‌ای از کتاب‌ها، باید طراحی پروژه انجام شود. یعنی ما باید پلان و نقشه‌ی تولید را، از زایش ذهنی، حسی و روحی پدیدآورنده تا بخشی که کتاب را به مخاطب ارائه می‌دهیم و بحث توزیع که یکی از مشکلات و معضلات بخش آموزشی است، از پیش تهیه کنیم.

نکته‌ی بعد این است که در تولید کتاب‌های درسی و سایر کتاب‌های غیر درسی، اعم از مرجع و غیرمرجع، باید کار تیمی انجام شود. اگر قرار است در حوزه‌ی نشر کیفیت بالا رود، کار باید به صورت تیمی انجام شود و پدیدآوردگان به خوبی انتخاب شوند.

به نظر من، یکی از اصول در حوزه‌ی برنامه‌ریزی این است که تولید را به صورت کار گروهی ببینیم؛ کاری که اغلب ناشران موفق در کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌دهند.

شامانی: مهم این است که به بچه‌ها پرسشگری را یاد دهیم و قرار نیست که

همه‌ی سؤال‌هایی را که دوستان پرسیدند، ما جواب دهیم؛ مهم خود سؤال است! به نظر من درستی پاسخ‌ها هم زیاد مهم نیست، اصل، پرسیدن و پرسشگری است. فقط بر یک نکته تأکید کنم. یادمان باشد که هدف اصلی ما ایجاد نشاط به وسیله‌ی دانایی در دانش‌آموز است. هدف ما، دانش‌آموز رشید، سرزنده، پویا و فعال است. هر کتابی که نشاط را از بچه‌های ما بگیرد، باید از صفحه‌ی مدرسه و دفتر دانش‌آموز حذف شود. هر چه کتاب عبوس و غمگین و خسته‌کننده داریم، باید جمع شوند؛ اگر واقعاً می‌خواهیم نسل با نشاطی داشته باشیم باید زیر ساخت دانایی را جدی بگیریم و برای زیرسازی دانایی بکوشیم تا به رویکردهای تازه دست پیدا کنیم. مهم‌ترین رویکرد، جدی گرفتن مخاطب است.

علاقه‌مندان برای اطلاع بیشتر می‌توانند با مراجعه به دفتر فصل‌نامه گزارش مشروح این نشست را مطالعه فرمایند.



هدف ما، حمایت از ناشران موفق و اصلاح بازار نشر است.
مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی

نظرخواهی:

مشکلات نشر و تأثیر جشنواره

اشاره

درباره‌ی تعریف کتاب آموزشی، مهم‌ترین مشکلات نشر، توقع ناشران از وزارت آموزش و پرورش، دلایل افزایش تیراژ کتاب‌های آموزشی، و چند موضوع دیگر در همین زمینه، پرسش‌هایی را با چند «ناشر سرشناس کتاب‌های آموزشی» در میان گذاشتیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید. همچنین، از مسئولین آموزش و پرورش استان‌ها، در خصوص وضع انتشار کتاب‌های آموزشی و میزان استفاده از این گونه کتاب‌ها در استان‌شان، و نیز تأثیر کتاب‌های آموزشی در یادگیری دانش‌آموزان نظرخواهی کردیم که حاصل آن نیز آمده است.

علاوه بر این‌ها، نظر هر دو گروه را درخصوص «طرح سامان بخشی» و «جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد» جویا شدیم و دریافتیم که در مجموع، به ویژه نقش جشنواره مثبت ارزیابی می‌شود. برای همه‌ی کسانی که به کیفیت کتاب‌های آموزشی اهمیت می‌دهند، جشنواره مظهر نهادی است که می‌تواند در مورد تفاوت‌ها قضاوت کند و برتری‌ها را تشخیص دهد. البته در همین راستا، درخواست‌هایی نیز مطرح هستند؛ بطوریکه خوانندگان محترم به ویژه دست‌اندرکاران امر را به مطالعه این بخش دعوت می‌نماییم.

پرسش و پاسخ

الف) ناشران آموزشی

ناشران شرکت کننده در این نظرخواهی، به ترتیب پاسخگویی عبارتند از:

۱. دکتر فرهاد میثمی، مدیر انتشارات اندیشه سازان

۲. عبدالحمید خرسندرو، مدیر عامل مؤسسه ی منادی تربیت

۳. فتح الله فروغی، مدیر نشر شورا

۴. جمال الدین میرطاووسی، مدیر نشر سنجش روز

۵. سعید سعادت، مدیر انتشارات مجتمع فنی تهران

● مهم ترین مشکلات حوزه ی نشر کتاب های آموزشی کدامند؟

میثمی: مهم ترین مشکل ما، کمبود

اطلاعات در این زمینه است. در اغلب موارد، اطلاعات قابل توجهی در اختیار ناشران آموزشی، اعم از دولتی یا خصوصی، قرار ندارد.

خرسندرو: تلفیق سیاست های کنونی آموزش و پرورش که «حقایق» هستند، و نیازهای آموزشی



دانش آموزان که «واقعیت ها» هستند، بزرگ ترین مشکل ما در بحث کتاب های آموزشی است.

فروغی: نداشتن شناخت دقیق از مخاطب، آشنا نبودن با زمینه ها و شیوه های تولید محتوا برای کتاب های آموزشی، محدود بودن مؤلفان آشنا با تولید کتاب های آموزشی و تعداد اندک تصویرگران آموزشی، از جمله مشکلات در حوزه های نشر کتاب های آموزشی به شمار می روند.

میرطاووسی: تغییرات مداوم محتوای کتاب درسی و عدم اطلاع رسانی به موقع و نیز، عدم امکان دسترسی به موقع به تغییرات. سعادت: مشکلات نشر کتاب در ایران به دو بخش کلی تقسیم می شود: اول، مشکلات زیربنایی که همان کمبود درصد سرانه ی مطالعه در ایران است، و دوم، مشکلات روبنایی که مهم ترین آن ها را می توان ممیزی کتاب دانست.

● کتاب آموزشی مناسب چگونه کتابی است؟

خرسندرو: کتاب هایی را می توان آموزشی تلقی کرد که نیازهای مجموعه ی کشور را با توجه به تفاوت های فردی در برداشته باشند.

فروغی: این نوع کتاب ها رسانه هایی هستند که با هدف های آموزشی سازگارند و می توانند، محدودیت های کتاب های درسی را پوشش دهند و یا برای یادگیری مفاهیم آن ها عمق بیش تری فراهم کنند.

مساعدت به مخاطبان کتاب از طریق به حداقل رساندن هزینه‌های توزیع.

● مرز میان حل المسائل و کتاب آموزشی کجاست؟

میشمی: حل المسائل، در صورتی که با ملاک‌های صحیح آموزشی تدوین شده باشد، یکی از انواع کتاب‌های آموزشی است. پس نمی‌توان بین حل المسائل و کتاب آموزشی مرز قائل شد.

خرسندرو: حل المسائل فقط حافظه محور است، ولی کتاب کمک آموزشی به مجموعه‌ی نیازهای دانش‌آموزان توجه دارد و پاسخ می‌دهد.

فروغی: وجه اشتراک این دو نوع کتاب، یکی کتاب بودن و دیگری آموزشی بودن است. این در حالی است که کتاب‌های حل المسائل برخلاف کتاب‌های آموزشی، دارای آموزش‌های سطحی و کم عمق هستند.

● یک ناشر آموزشی، تحت چه شرایطی چاپ یک کتاب آموزشی را می‌پذیرد؟
میشمی: عموماً کتاب طبق ضوابط مشخصی به نویسنده «سفارش» داده می‌شود و طبق آن سفارش، تألیف صورت می‌پذیرد.

فروغی: کتاب یا به سفارش ناشر است و یا از سوی مؤلف پیشنهاد می‌شود. برای ناشر آموزشی دارای برنامه و هدف مشخص، قاعدتاً سفارش دادن اولویت دارد.

میرطاووسی: تطابق محتوای کتاب با موازین و معیارهای آموزشی، هدایت مخاطبان به سمت یادگیری بهتر و عمیق‌تر، و تناسب با طیف وسیع استعدادهای دانش‌آموزان از مشخصه‌های چنین کتاب‌هایی هستند.

سعادت: کتابی است که از این ویژگی‌ها برخوردار باشد: ۱. ایجاد تقابل با واقعیت‌های جهان اطراف در فراگیرندگان؛ ۲. آموزش روش تفکر خلاق در مباحث آموزشی؛ ۳. به‌روزر بودن مطلب و محتوای آموزشی؛ ۴. مبتنی بودن بر شیوه‌ی حل مسأله.

● توقع شما به عنوان یک ناشر از آموزش و پرورش چیست؟

خرسندرو: حمایت، هدایت و رضایت؛ چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی.

فروغی: آگاه کردن ناشران از برنامه‌های درسی و آموزشی و تغییرات آن.

میرطاووسی: صرفاً حمایت همه جانبه.

سعادت: حمایت از ناشران در زمینه‌ی سهمیه‌ی کاغذ که امروزه معضل اساسی ناشران برای چاپ کتاب است، و همچنین



خرسندرو

میرطاووسی: در صورت برقراری ارتباط ضابطه مند میان ناشر خصوصی و وزارت آموزش و پرورش، و نیز اطلاع رسانی سریع و دقیق و حمایت این وزارتخانه، ناشر آن را می پذیرد.

سعادت: تعیین گروه مخاطب، روش تدریس، گروه سنی، تعیین هدف ها و محتوا و تعیین معیارهای فیزیکی و کالبدی کتاب، از جمله شرایط لازم برای تألیف یک کتاب آموزشی مناسب هستند. روشن است که ناشر آموزشی همواره آماده ی چاپ کتاب آموزشی مناسب است.

● **ارزیابی شما از وضعیت کنونی نشر کتاب های آموزشی در ایران چیست؟**
خرسندرو: منهای ناشرانی که خوب عمل می کنند، اکثریت را ناشرانی تشکیل می دهند که به دلیل شرایط اقتصادی حاکم در این زمینه، کتاب هایی را منتشر می کنند که نیاز روزمره ی دانش آموز را پاسخگو باشند و به سایر نیازهای دانش آموزان توجهی نمی کنند.

● **نقش کتاب های آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری چیست؟**

میرطاووسی: این کتاب ها، در صورتی که براساس موازین و اصول ارزشیابی آموزشی تهیه شوند، بسیار مثبت و تأثیرگذار خواهند بود



میرطاووسی

و در غیر این صورت، منفی و بیمارگونه. **سعادت:** کتاب های کمک آموزشی، حامل هایی برای ایجاد ارتباط صحیح، مؤثر و پایدار با فراگیران هستند. از سوی دیگر، در محیط آموزشی شرایطی را ایجاد می کنند که در آن، یادگیری سریع تر، بهتر، با دوام تر و مؤثرتر صورت می گیرد.

● **با توجه به این که کتاب های آموزشی تیراژ بالایی دارند، با ورود وزارت آموزش و پرورش به این حوزه موافقت یا خیر؟**

میشمی: با ورود هرکس که بتواند تأثیر مثبت و رشددهنده داشته باشد، موافقم. **فروغی:** ورود نهادهای دولتی در این حوزه نه ضرورت دارد و نه نیاز. بهتر است که آموزش و پرورش نظارت، کارشناسی و مشاوره را بر عهده بگیرد.

● **دلیل رشد شمارگان کتاب های آموزشی را چه می دانید؟**

خرسندرو: به نظرم تیراژ این گونه کتاب ها بالا نیست. لزوم بودن این گونه کتاب ها این است که در یک کتاب درسی ما نمی توانیم به همه ی خواسته های دانش آموزان پاسخ دهیم.

فروغی: محدودیت طبیعی کتاب های درسی، عدم توجه به نیازهای آموزشی متفاوت، جمعیت بالای آموزشی، یکسویه شدن مطالعه ی دانش آموزان، توان متفاوت معلمان، تفاوت های فرهنگی و جغرافیایی و مواردی از این دست.

حرکت پویای طرح سامان بخشی یکی از گام های مؤثر در زمینه ی بهبود تولید کتاب های آموزشی است

با ملاک های از
قبل تعیین شده به
سراغ تولیدات
برویم .
میرطاووسی :

از نتایج کاربردی

جشنواره می توان به

تشویق ناشران و مؤلفان به تولیدات آموزشی
دارای کیفیت اشاره کرد .

سعادت : از مهم ترین نتایج کاربردی
جشنواره می توان به این دو مورد اشاره
کرد : ۱ . شناسایی نویسندگان و ناشران
برتر در حوزه ی تولید کتاب های آموزشی ؛
۲ . فراهم آوردن امکان تبادل نظر میان
صاحب نظران ، پدیدآورندگان و سایر
دست اندرکاران .

● تأثیر طرح سامان بخشی را تا چه اندازه
ارزیابی می کنید؟

میثمی : این طرح تنها راه موجود برای
ارتقای کیفیت نشر آموزشی است و من به
نتایج آن بسیار خوش بین هستم .

فروغی :

هدف های این طرح
بسیار قابل توجهند
و تأثیرات آن
می تواند ارزشمند
باشد .

سعادت :

حرکت پویای طرح
سامان بخشی یکی

از گام های مؤثر در زمینه ی بهبود تولید
کتاب های آموزشی است .



میرطاووسی

● آیا جشنواره ممیزی در پی خواهد
داشت؟

خرسندرو : ممیزی درباره ی وجود و
یا عدم وجود کتاب بحث می کند ، در
صورتی که جشنواره ی رشد با توجه به
سیاست های کلان آموزش و پرورش ،
دست به نوعی انتخاب با در نظر گرفتن
سرمایه های آموزش و پرورش می زند .
بنابراین در این جا ، ممیزی اصلاً کلمه ی
درستی نیست .

فروغی : جشنواره به نوعی ، هدایت
کننده ی تولیدات به سمت هدف های طرح
است . پس به نوعی ، ممیزی را در بطن خود
دارد که این جزو طبیعت هر گونه انتخاب است .

● نظرتان درباره ی جشنواره ی کتاب های
آموزشی چیست؟

میثمی : این جشنواره تأثیر مثبت خود
را از رهگذر امر تشویق گذاشته است . یعنی
همین که با برگزاری چنین جشنواره ای توجه
ناشران آموزشی به مسأله ی کیفیت و اهمیت
آن جلب می شود ، بسیار ارزشمند است .

خرسندرو : در تشکیل جشنواره مهم این
است که ما نقد منصفانه و عالمانه ای را به کار
ببریم که به قوت کار ختم شود و قطعاً جشنواره
دارد جریانی رو به رشد را ایجاد می کند .

فروغی : جشنواره ی رشد در واقع
نمود عینی طرح سامان بخشی است و در
صورتی اثر گذار و قابل قبول خواهد بود که

● پیشنهاد یا توصیه‌ی شما برای ارتقای

کیفیت برگزاری جشنواره چیست؟

میرطاووسی: خارج کردن گروه داوران از حالت انحصاری، بررسی کارشناسانه و عینی کردن کتاب‌های کمک آموزشی، افزایش تیراژ کتابنامه‌های رشد، ایجاد سایت اینترنتی برای اطلاع ناشران از تغییرات کتاب‌های درسی.

سعادت: توجه

بیش‌تر به نوآوری در ارائه‌ی کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی با تأکید بر به‌روزرسانی محتوای آموزشی این کتاب‌ها؛ فراهم کردن بسترهای ارتباطی برای برقراری



سعادت

ارتباط میان متولیان طراحی و آماده‌سازی کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی، با تأکید بر فناوری‌های جدید و به‌خصوص، راه‌اندازی یک پورتال تخصصی در این زمینه در وب.

ب) رؤسای سازمان‌های آموزش و

پرورش استان‌ها

۱. محسن حاجی آقایی از مازندران
۲. ناصر قاسمی از مرکزی
۳. مهدی سیاری از هرمزگان
۴. اسماعیل تاجیک از گلستان
۵. کرم بشارت از کهگیلویه و

بویراحمده

۶. حمیدرضا آذری از فارس
۷. جعفر حسین زاده ملکی از خراسان
- رضوی
۸. رحیم مدنیان از اصفهان
۹. غلامرضا جعفری از سیستان و بلوچستان
۱۰. خسرو ساکی از کردستان

● تعریف شما از کتاب آموزشی مناسب

چیست؟

حاجی آقایی: کتابی است که بتواند بر فرایند یادگیری فراگیر تأثیر مثبت بگذارد و همچنین دارای ویژگی‌هایی از قبیل، رعایت تقدم و تأخر مطالب، و به‌روز بودن باشد و نیز بر آخرین یافته‌های علمی مبتنی باشد.

قاسمی: کتاب آموزشی باید مکمل کتاب‌های برنامه‌ی رسمی باشد و بتواند برای دانش‌آموزان نقش یک منبع اطلاعاتی فراتر از محتوای برنامه‌ی درسی را ایفا کند. سیاری: کتابی است که بتواند هدف‌های آموزشی مورد نظر را به شیوه‌ای آسان، در قالب مثال‌ها و به شکل ملموس و قابل توجه بیان کند.

تاجیک: کتابی است در چارچوب هدف‌های رفتاری کتاب درسی که باید بتواند، محدودیت محتوای کتاب درسی را پوشش دهد و شیوه‌ها و راهکارهای مطلوبی در جهت فرایند یاددهی و یادگیری اعمال کند.

بشارت: کتاب‌هایی هستند که به منظور ایجاد انگیزه، توسعه‌ی یادگیری، افزایش دانش و اطلاعات و... تهیه و تنظیم می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱. کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموزان؛ ۲. کتاب‌های پرورش مهارت‌های فرایندی، علمی، پروژه‌ای و هنری دانش‌آموزان؛ ۳. کتاب‌های دانش‌افزایی، مهارتی و روشی برای معلمان.

آذری: کتاب آموزشی مناسب به دور از یک بعد نگری، زمینه‌ی رشد همه جانبه‌ی مخاطب را فراهم می‌کند.

ملکی: باید دارای ویژگی‌هایی مانند انطباق با هدف‌های نظام آموزشی و دوره‌ی تحصیلی، برخورداری از ایده‌های نو، و جذابیت و تنوع فعالیت باشد و از آموزش یکطرفه و مستقیم پرهیزد.

مدنیان: کتاب آموزشی مناسب، جریان یادگیری را تسریع می‌کند و آن را عمق می‌بخشد، و متناسب با مقتضیات سنی و رشدی یادگیرنده تدوین می‌شود.

جعفری: کتاب آموزشی مکمل کتاب درسی است.

ساکی: کتابی است که بتواند کیفیت تدریس و یادگیری را افزایش دهد.

● **وضعیت کنونی انتشار کتاب‌های آموزشی در استان چگونه است؟**
حاجی آقایی: وضعیت سامان یافته و مشخصی ندارد.

قاسمی: به علت نزدیک بودن استان ما به تهران، بازار این کتاب‌ها خوب است.

سیاری: کتاب آموزشی مناسبی که بتوان به عنوان یک منبع کمک آموزشی از آن استفاده کرد، چاپ نشده است.

بشارت: کتاب‌های آموزشی بیش‌تر نقش حل‌المسائل را دارند و از کتاب‌های مفید خبری نیست.

ملکی: اغلب کتاب‌ها خارج از قانون و ضوابط، چاپ می‌شوند.

مدنیان: کتاب‌های کمک آموزشی توسط مؤسسات خصوصی و معلمان مؤلف انتشار می‌یابند.

جعفری: تاکنون کتاب کمک آموزشی منتشر نشده است.

ساکی: وضعیت در سطح استان مطلوب نیست و اغلب این کتاب‌ها از خارج از استان وارد می‌شوند.

● **آیا در استان شما، معلمان از کتاب‌های آموزشی استفاده می‌کنند؟**

حاجی آقایی: در بعضی از درس‌ها توسط دبیرانی که در مدرسه‌های خاص تدریس می‌کنند، بیش‌تر مورد استفاده قرار



می گیرند، ولی استقبال عمومی کم است. قاسمی: معلمان استان ما از این کتاب استفاده می کنند.

سیاری: در مدرسه های خاصی، معلمان از این کتاب ها استفاده می کنند؛ به خصوص کتاب های آموزشی مناسب برای دوره های ابتدایی و راهنمایی. مدنیان: بله، میزان استفاده در دوره های راهنمایی و متوسطه بیش تر است.

ساکی: به علت گران بودن قیمت و ناتوانی دانش آموزان برای خرید کتاب، معلمان معمولاً رغبتی به تدریس آن ها ندارند؛ مگر در مؤسسات خصوصی و علمی آزاد.

● تحلیل شما از روند روبه رشد استفاده ی دانش آموزان از کتاب های آموزشی چیست؟

حاجی آقایی: غیر از تبلیغات ناقص صداوسیما، نحوه ی اطلاع رسانی درباره ی کتاب های مناسب، مطلوب نیست و دانش آموزان مناطق شهری، بیش از سایر دانش آموزان امکان استفاده از این

دسته کتاب ها را دارند.

قاسمی: ضرورت دستیابی دانش آموزان به اطلاعات بیش تر، به روز بودن کتاب های آموزشی و ایفای نقش مکمل برنامه های درسی رسمی توسط این کتاب ها، موجب استفاده ی وسیع دانش آموزان از آن ها شده است.

سیاری: در حال حاضر، استفاده از کتاب های تستی مانع بروز تفکر خلاق دانش آموزان شده، اما ضریب موفقیت آن ها را در مسابقات و آزمون های ورودی افزایش داده است که این وضعیت در مقاطع تحصیلی متوسطه و راهنمایی بیش تر دیده می شود.

بشارت: یکی از دلایل استفاده از این گونه کتاب ها، امید قبولی در کنکور سراسری یا قبولی در پایه های تحصیلی است.

آذری: در حال حاضر، کتاب های آموزشی که جزو منابع علمی هستند، به علت برطرف کردن برخی از نیازهای آموزشی فراگیران و دسترسی آسان به آن ها، مورد توجه روز افزون قرار گرفته اند.

ملکی: نیاز و وابستگی

دانش آموزان به کتاب های کمک آموزشی و استقبال از چنین کتاب هایی در شرایط کنونی، می تواند ناشی از عواملی نظیر: وضعیت ارزشیابی تحصیلی و وجود آزمون های گوناگون، راحت طلبی



برخی دانش‌آموزان، ضعف برخی معلمان در تدریس و مواردی از این دست باشد. مدنیان: از دیدگاه مثبت، روی آوردن دانش‌آموزان به استفاده‌ی وسیع از کتاب‌های آموزشی، بیانگر وسعت دنیای یادگیری آن‌هاست.

● نقش کتاب‌های آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری چه می‌تواند باشد؟ حاجی‌آقایی: تقویت قوه‌ی تفکر و تدبیر در فراگیر و بیان مطالب به صورت سلیس و متنوع.

سیاری: کتاب‌های آموزشی باید روش‌هایی برای سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان از محتوای کتاب‌های آموزشی ارائه دهند.

بشارت: ضمن ایجاد انگیزه‌ی دانش‌افزایی، باعث پرورش مهارت‌های ذهنی و عملی و رشد روابط اجتماعی یادگیرنده شوند.

آذری: کتاب‌های آموزشی سبب تفهیم هرچه بیش‌تر مطالب برای دانش‌آموزان و همچنین، افزایش میزان یادگیری فراگیران از طریق تنوع بخشیدن به تمرینات ارائه شده در رابطه با هر مطلب درسی می‌شود.

ملکی: عامل تحریک علاقه و کنجکاوای مخاطبان، و تکمیل مفاهیم و مطالب آموزشی است.

مدنیان: تکمیل فرایند یادگیری است. جعفری: آماده‌سازی فرد برای حضور مفید و مؤثر در جامعه، با اندیشه‌ی سالم و

افکار دقیق و هم سطح رشد آموزش، با توجه به تحولات اخیر آموزش جهانی مهم است.

● تأثیر طرح سامان‌بخشی را تا چه اندازه می‌دانید؟

حاجی‌آقایی: می‌تواند به هدایت منابع و اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی منابع منجر شود.

قاسمی: می‌تواند نقش غربالگری منطقی و دقیق را در بخش کتاب‌های منتشر شده ایفا کند.

ملکی: علاوه بر انتخاب و تأیید کتاب‌های مناسب، این طرح می‌تواند موجبات دلگرمی نویسندگان برجسته و ناشران دلسوز را فراهم آورد.

● به نظر شما، تأثیر جشنواره در رشد نگرش و ارتقای دانش حرفه‌ای تولید کتاب‌های آموزشی مناسب چه قدر است؟ قاسمی: نقش انگیزشی و تقویت خودباوری را در آن دسته از مؤسسات و ناشرانی که موفق هستند، ایفا می‌کند.

سیاری: وضعیت مناسبی برای ارتقای سطح کمی و کیفی چاپ و توزیع کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی فراهم می‌کند.

بشارت: باعث تعامل مؤلفان کتاب‌های آموزشی و بهبود وضع تولید کتاب‌های آموزشی می‌شوند.

آذری: در تشویق و تأیید مؤلفان و ناشران تأثیر شایان توجهی به جا خواهد گذاشت.

ملکی: باعث رقابت بین دستاوردها و تولیدات می شود.

مدنیان: شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود در زمینه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی است.

● نتایج کاربردی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد کدام‌ها هستند؟

قاسمی: بسترسازی برای نقد تولیدات آموزشی و عرضه‌ی محصولات و کتاب‌های مطلوب و مناسب.

سیاری: افزایش آگاهی‌های عمومی از منابع منتشر شده و همچنین، زمینه‌سازی برای رقابت سالم در تدوین منابع آموزشی. **بشارت:** انتخاب کتاب‌های خوب و معرفی آنان به مخاطبان.

ملکی: توسعه و گسترش برنامه‌های نوین و کمک به برنامه‌ی آموزشی برای همه، محدود کردن میدان عمل ناشران و افراد سودجو، و افزایش عمومی اعتماد به نظام آموزشی و هدایت‌خواهی از آن. **مدنیان:** ارتقای کیفیت و ساماندهی و بهینه‌سازی کمیت کتاب‌های آموزشی.

● اگر از کم و کیف برگزاری جشنواره اطلاع دارید، پیشنهاد یا توصیه‌ی شما برای ارتقای کیفیت جشنواره در سال‌های آتی چیست؟

حاجی‌آقایی: جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی برگزار می شود، ولی هیچ‌یک از کارشناسان آموزشی استان‌ها در آن شرکت

ندارند و از نظرات آموزشی آنان استفاده نمی شود. به این ترتیب، روشن است که کم و کیف قضیه برای استان‌ها روشن نیست.

قاسمی: پیشنهاد می شود، از معاونان آموزشی و رؤسای گروه آموزش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه‌ی سازمان و آموزش و پرورش استان‌ها، برای شرکت در جشنواره دعوت به عمل آید.

جعفری: به صورت چرخشی در استان‌های گوناگون و طی نیم سال تحصیلی برگزار شود.

ساکي: در امر برگزاری جشنواره، حضور مستقیم همکاران سطح عملیاتی که در کلاس‌های درسی مشغول فعالیت هستند، از اهم امور است.

● نقش وزارت آموزش و پرورش در فرایند انتشار کتاب‌های آموزشی چه می تواند باشد؟

حاجی‌آقایی: می تواند نقش حمایتی و نظارتی داشته باشد و با توجه به نیازهای مناطق گوناگون و شرایط اقلیمی، به عنوان سفارش دهنده نیز عمل کند.

قاسمی: می تواند نقش هدایتگری، استانداردسازی و نهایتاً نگرش‌سازی داشته باشد و بینش خانواده را نیز نسبت به کتاب‌های کمک آموزشی افزایش دهد.

سیاری: می تواند موضوعات و محتوای ارائه شده در کتاب‌های کمک آموزشی را با هدف‌های کتاب‌های آموزشی هماهنگ سازد.

جمع‌بندی نظرات

الف) ناشران

● معمولاً کار را با شناخت وضع موجود آغاز می‌کنند، پس لازم است، همه‌ی ناشران کتاب آموزشی از وضعیت کنونی نشر این گونه کتاب‌ها اطلاع داشته باشند. اما فقط یکی از ناشران حاضر شده است، ارزیابی خود را از وضع موجود اعلام کند و دیگران سکوت را ترجیح داده‌اند؛ شاید وضع موجود را مطلوب می‌دانند و گلایه‌ای ندارند. خرسندرو، مدیرعامل مؤسسه‌ی منادی تربیت، نظری انتقادآمیز اظهار داشته است: اکثر ناشران به دلیل شرایط اقتصادی حاکم در این زمینه، کتاب‌هایی را منتشر می‌کنند که نیاز روزمره‌ی دانش‌آموز را پاسخگو باشند و به سایر نیازهای دانش‌آموزان توجهی نمی‌کنند.

● بحث اقتصاد نشر و نیز نیاز روزمره‌ی دانش‌آموزان، موضوع «حل المسائل»‌ها را مطرح می‌کنند. خرسندرو اشکال حل المسائل‌ها را حافظه‌محور بودن آن‌ها

تاجیک: با توجه به این که تولید محتوای کتاب‌های درسی در انحصار آموزش و پرورش است، جا دارد به منظور رفع نارسایی‌های موجود در کتاب‌های درسی، غنی‌سازی اطلاعات دانش‌آموزان و جلوگیری از انواع سوء استفاده‌ها، آموزش و پرورش خود متولی این مهم باشد.

بشارت: به‌هنگام‌سازی محتوای کتاب‌های کمک‌آموزشی، افزایش مستمر جذابیت آن‌ها نزد مخاطبان، و ایجاد پیوند و ارتباط منطقی بین محتوای کتاب‌های مزبور با هدف‌های آموزشی و پرورشی، لزوم نظارت فعال آموزش و پرورش را خاطر نشان می‌سازد.

آذری: فرایند تأیید، معرفی و انتشار کتاب‌های آموزشی از رسالت‌های وزارت آموزش و پرورش است.

ملکی: وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با تشکیل گروه متخصص در رشته‌های گوناگون، به عنوان مرجعی قابل اعتماد و اطمینان در انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی عمل کند.

مدنیان: بهترین موضع و نقشی که آموزش و پرورش می‌تواند داشته باشد، نقش سیاست‌گذاری و تا حدودی برنامه‌ریزی است.

جعفری: وزارت آموزش و پرورش باید بر ویژگی‌های عمومی و اختصاصی کتاب‌های آموزشی نظارت کامل داشته باشد.



آموزشی، و آموزش براساس شیوه‌ی حل مسأله.

● اما آیا ناشران کنونی کتاب‌های آموزشی، از لحاظ فنی و علمی، بضاعت آن را دارند که «کتاب آموزشی مناسب» همان گونه که در بند قبل آمد، منتشر کنند؟ فروغی، آن جا که مهم ترین مشکلات حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی را برمی شمرد، به این پرسش پاسخ منفی می دهد. به زعم او مشکلات این حوزه عبارتند از: نداشتن شناخت دقیق از مخاطب، آشنا نبودن با زمینه‌ها و شیوه‌های تولید محتوا برای کتاب‌های آموزشی، محدود بودن مؤلفان آشنا با تولید این کتاب‌ها، و...

● سایر دوستان، به مواردی غیر از آنچه فروغی اشاره می کند، نظر دارند و مشکلات حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی را ناشی از کمبود اطلاعات، دشواری تلفیق سیاست‌های کنونی آموزش و پرورش با نیازهای آموزشی دانش آموزان، کمبود درصد سرانه‌ی مطالعه در ایران و ممیزی کتاب می دانند. در این میان، این فقط میرطاووسی است که تغییرات مداوم محتوای کتاب درسی و نبود اطلاع رسانی به موقع در این زمینه را، مهم ترین مشکل حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی می داند.

● آگاهی به موقع از تغییرات محتوای کتاب‌های درسی، بی شک حق مسلم همه‌ی ناشرانی است که در ارتباط نزدیک با محتوای کتاب درسی و به منظور تعمیق

می داند. اما مگر نمی شود این اشکال را رفع کرد؟ پاسخ دکتر میثمی، مدیرعامل انتشارات اندیشه سازان، و همه‌ی ناشران حل المسائل مثبت است: حل المسائل، در صورتی که با ملاک‌های صحیح آموزشی تدوین شده باشد، یکی از انواع کتاب‌های آموزشی است. البته، اغلب معلمان و کسانی که سابقه‌ی تدریس دارند، چنین پاسخی را نمی پذیرند. یکی از آن‌ها فروغی، مدیر نشر شورا است که می گوید: حل المسائل‌ها دارای آموزش‌های سطحی و کم عمق هستند.

می دانیم که معلم بیم دارد، دانش آموز حل تمرین‌های کتاب درسی را از روی حل المسائل رونویسی کند (به قول خود دانش آموز «کُپ» بزند) و او متوجه نشود، دانش آموز کدام نکته از درس را نیاموخته، پشت سر گذاشته است.

● دانش آموزان غیر از نیاز روزمره، چه نیازهای دیگری دارند؟ از پاسخ ناشران این نظرخواهی به پرسش «کتاب آموزشی مناسب چگونه کتابی است؟» برخی از این نیازها را می توان یافت: نیازهای مبتنی بر تفاوت‌های منطقه‌ای و قومی، نیاز به مطالبی عمیق تر از مطالب کتاب درسی، و نیاز به یادگیری بهتر و عمیق تر. کتاب‌های آموزشی باید بتوانند به چنین نیازهایی پاسخ بدهند. میرطاووسی، مدیر نشر سنجش روز، چند مورد مشخص تر را برمی شمرد: تقابل با واقعیت‌های جهان اطراف، آموختن روش تفکر خلاق در مباحث

آن، کتاب چاپ می کنند. اما در پاسخ به این پرسش که «توقع شما به عنوان یک ناشر از وزارت آموزش و پرورش چیست؟» تنها فروغی است که به ضرورت این اطلاع رسانی اشاره می کند. دوستان دیگر بر حمایت، آن هم حمایت همه جانبه، به ویژه در زمینه ی سهمیه ی کاغذ تأکید دارند. به هر صورت، یکی از وظایف اصلی «طرح سامان بخشی» همین گونه اطلاع رسانی ها به ناشران است و امید می رود با سازوکارها و برنامه هایی که در چارچوب این طرح به اجرا در می آیند، مشکل کاملاً مرتفع شود.

● اگرچه مدت کوتاهی از عمر طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی می گذرد، نظرخواهی اغلب ناشران حاضر، به این طرح و آینده ی آن با خوش بینی می نگرند و همگی آنان، جشنواره ی کتاب های آموزشی را در تشویق ناشران و مؤلفان و ارتقای کیفیت آثار موفق می دانند. میرطاووسی و سعادت برای ارتقای کیفیت برگزاری جشنواره توصیه هایی کرده اند که به اجرا درآوردن آن ها برای مجریان جشنواره چندان دشوار نیست و بی شک به توفیق هرچه بیش تر جشنواره می انجامد. خارج کردن گروه داوران از حالت انحصاری، و فراهم کردن بسترهای ارتباطی برای برقراری ارتباط میان متولیان طراحی و آماده سازی کتاب ها، از جمله مهم ترین توصیه های ایشان است.

● از آن جا که ممکن است، ورود وزارت آموزش و پرورش به حوزه ی نشر کتاب های آموزشی دامنه ی فعالیت ناشران خصوصی را محدود کند، انتظار می رود که آن ها با این امر چندان موافق نباشند. اما برخلاف انتظار، سه تن از دوستان به پرسش در این مورد پاسخ نداده اند و دو تن دیگر پاسخ هایی بسیار متفاوت داده اند: یکی براساس اطمینان از حفظ منافع خود، و دیگری براساس نقطه نظری کاملاً کارشناسانه. میثمی پاسخ داده است، با ورود هرکس که بتواند تأثیر مثبت و رشددهنده داشته باشد، موافقم. و به نظر فروغی، بهتر است آموزش و پرورش به نظارت، کارشناسی و مشاوره بپردازد، و ورود نهادهای دولتی به این حوزه نه ضرورت دارد، نه نیاز.

در مورد ارتباط میان وزارت آموزش و پرورش و ناشران خصوصی، میرطاووسی پیشنهاد جدیدی دارد که شایسته ی توجه است و می تواند راهی برای دلگرمی هرچه بیش تر و ارتقای کیفیت کار ناشران خصوصی باشد. وی در پاسخ به این پرسش که «ناشر آموزشی، تحت چه شرایطی چاپ یک کتاب آموزشی را می پذیرد؟» می گوید: در صورت برقراری ارتباط ضابطه مند میان ناشر خصوصی و وزارت آموزش و پرورش و نیز اطلاع رسانی سریع و دقیق و حمایت این وزارتخانه، ناشر آن را می پذیرد. در بطن پاسخ میرطاووسی این پیشنهاد نهفته است که

وزارت آموزش و پرورش در صورت لزوم و صلاحدید می‌تواند، با ناشران برای نشر کتاب با ضوابط معینی و در موضوع‌های مورد نیاز، قرار داد منعقد کند.

ب) رؤسای سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌ها

● براساس پاسخ‌های مسؤولان، «وضعیت کنونی نشر کتاب‌های آموزشی» در استان‌های مازندران، هرمزگان، خراسان و کردستان، سامان یافته، قاعده‌مند و مطلوب نیست که البته این پاسخ ابهام دارد و روشن نیست، دقیقاً مقصود از سامان یافته و قاعده‌مند چیست. در حالی که اصفهان شرایطی مثل تهران دارد، در سیستان و بلوچستان تاکنون هیچ کتاب آموزشی منتشر نشده است و سرانجام این که در کهگیلویه و بویراحمد، حل المسائل‌ها رواج دارند و از کتاب‌های آموزشی مفید خبری نیست.

● اغلب مسؤولان، کتاب آموزشی مناسب را کتابی می‌دانند که مکمل برنامه‌ی درسی باشد، کیفیت تدریس و یادگیری را افزایش دهد، هدف‌های آموزشی را به شیوه‌ای آسان بیان کند، و محدودیت‌های محتوای کتاب درسی را پوشش دهد. پاسخگویی به نیازهای زندگی آینده، چارچوب نگارش لذت‌بخش، مبتنی بودن بر آخرین یافته‌های علمی، برخورداری از ایده‌های نو، و متناسب بودن با مقتضیات سنی و رشدی یادگیرنده، از دیگر

ویژگی‌هایی هستند که برخی از مسؤولان آموزش و پرورش استان‌ها برای کتاب‌های آموزشی مناسب برشمرده‌اند.

● طبق پاسخ مسؤولان استان‌ها، در استان‌های مازندران و هرمزگان، در مدرسه‌های خاصی و در بعضی درس‌ها، و در استان‌های مرکزی و اصفهان همه‌ی معلمان، از کتاب‌های آموزشی استفاده می‌کنند. اما در کردستان، به علت گرانی قیمت این کتاب‌ها و ناتوانی دانش‌آموزان برای خرید آن‌ها، معلمان رغبتی به تدریس آن‌ها ندارند. این در حالی است که هیچ‌یک از مسؤولان، تفکیکی میان حل المسائل و کتاب آموزشی قائل نشده‌اند. همین مشکل در پاسخ به این سؤال پیش آمده است که: «تحلیل شما از روند روبه رشد استفاده‌ی دانش‌آموزان از کتاب‌های آموزشی چیست؟»

مسؤولان، به این پرسش پاسخ‌هایی بسیار متفاوت داده‌اند، در واقع، برخی به گونه‌ای منفی و برخی به گونه‌ای مثبت به این گونه کتاب‌ها نگریده‌اند. البته در هر دو صورت، ظاهراً مقصود حل المسائل است و نه کتاب آموزشی.

سیاری از استان‌ها هرمزگان استفاده از کتاب‌های آموزشی را مانع بروز تفکر خلاق دانش‌آموز می‌دانند، و ساکی از استان کردستان می‌گوید: این نوع کتاب‌ها، به دلیل ضعف عمده‌ای که دارند و به علت طرز تلقی اشتباه دانش‌آموزان از آن‌ها، موفقیت چندانی نداشته‌اند. در مقابل،

مدنیان از استان اصفهان روی آوردن دانش‌آموزان را به استفاده‌ی وسیع از کتاب‌های آموزشی، بیانگر وسعت دنیای یادگیری آن‌ها دانسته است، و قاسمی از استان مرکزی، ضرورت دستیابی دانش‌آموزان به اطلاعات بیش‌تر، و ایفای نقش مکمل برنامه‌های درسی رسمی توسط این کتاب‌ها را، به عنوان دلایل استقبال از این کتاب‌ها بر شمرده است. مسؤولان استان‌های هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان رضوی، دلیل استقبال دانش‌آموزان از کتاب‌های آموزشی را، امید به قبولی در آزمون‌های ورودی دانسته‌اند که ناگفته پیداست، مقصودشان کتاب‌های حل المسائل است.

● فقط سه تن از مسؤولان استان‌ها به پرسش مربوط به تأثیر طرح سامان بخشی پاسخ گفته‌اند. چنین سکوت سنگینی شاید از آن روست که ایشان با طرح سامان بخشی چندان آشنا نیستند. به هر صورت، مسؤولان استان‌های مازندران، مرکزی و فارس، به تأثیر این طرح و آینده‌ی آن مثبت می‌نگرند.

● آن دسته از مسؤولان که به پرسش‌های مربوط به تأثیر، و کم و کیف برگزاری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی پاسخ گفته‌اند، مزایایی همچون بستر سازی برای نقد تولیدات آموزشی، افزایش آگاهی‌های عمومی از منابع منتشر شده، محدود شدن میدان عمل افراد و ناشران سودجو، تقویت

خودباوری در ناشران کتاب‌های آموزشی، و شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود در زمینه‌ی تولید کتاب‌های آموزشی را بر آن مترتب دانسته‌اند. به علاوه، آن‌ها پیشنهاد می‌کنند:

○ در برگزاری جشنواره، کارشناسان آموزشی استان‌ها شرکت داده شوند.

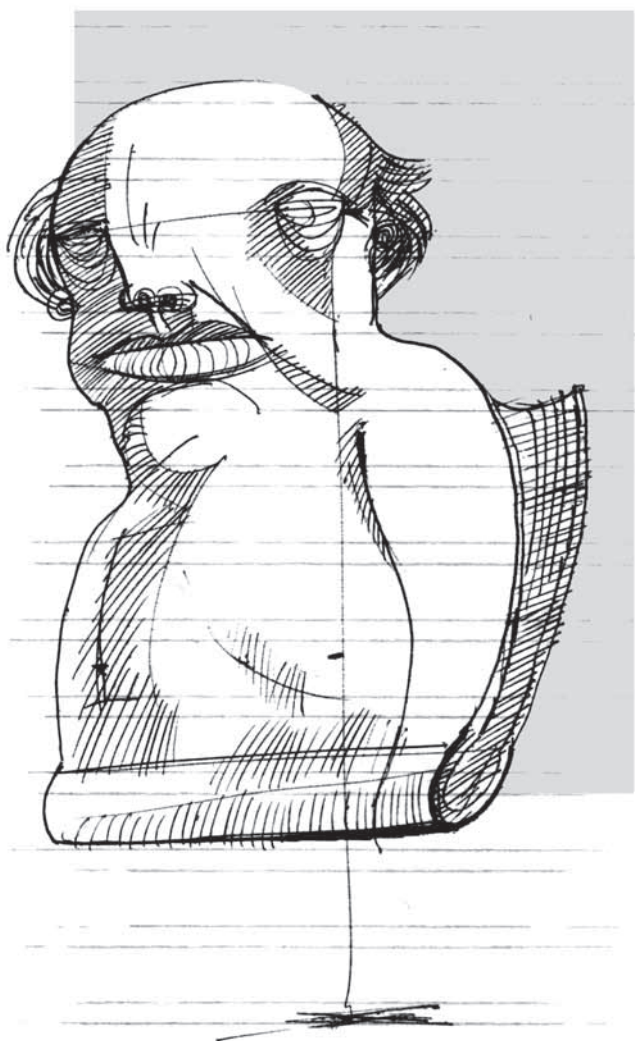
○ در انتخاب کتاب‌ها، تمرکز دایی شود و بخشی از امور را به استان‌ها محول کنند.

○ برای شرکت در جشنواره، از معاونان آموزشی و رؤسای گروه‌های آموزشی دعوت به عمل آید.

○ جشنواره به صورت چرخشی در استان‌های گوناگون و طی نیم سال تحصیلی برگزار شود.

○ وزارت آموزش و پرورش نقشی حمایتی، نظارتی و هدایتی در نشر کتاب‌های آموزشی ایفا کند و با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب، انتشار این گونه کتاب‌ها را تقویت کند.





آنچه که با برگزاری این جشنواره ها انتظار می رود به مرحله ی تحقق برسد، تولید منابع آموزشی در عرصه ی موضوعاتی است که جای آن ها در مجموعه ی منابع آموزشی بازار خالی است و یا کم تر به آن ها پرداخته شده است .
شادروان، مهندس جعفر علاقه مند

چکیده ای از یافته های ارزیابی برگزاری چهارمین جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد (آذرماه ۸۳)

محمد مهدی رادان



اشاره

یکصد و چهل و پنج نفر از شرکت کنندگان در مراسم اختتامیه ی جشنواره، به پرسش های این ارزیابی پاسخ گفته اند، حدود نیمی از آنان از جشنواره و برنامه های آن در مجموع راضی بوده اند و بیش از نیمی، مراسم اختتامیه را مناسب دانسته اند. با این حال، در این ارزیابی نکات هشدار دهنده ای نیز وجود دارد. از جمله ۹/۴۶ درصد پاسخگویان در برابر پرسش «کافی بودن تعداد برگزیدگان و تعداد تقدیرشدگان» پاسخی نداده اند. اگرچه خودداری از پاسخ دادن، همواره به معنی مخالف بودن نیست، و در برگزاری چنین جشنواره هایی، مشکل است بتوان رضایت همه ی شرکت کنندگان را تأمین کرد، لیکن بی شک نتایج واقع بینانه ی این ارزیابی، راهنمای دست اندرکاران جشنواره های رشد در آینده خواهد بود.

مقدمه

در این پژوهش، ارزیابی پاسخگویان از برگزاری چهارمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد، براساس شش مؤلفه به شرح زیر سنجیده شده است:

- برنامه‌های مراسم اختتامیه
- ملاک‌ها و فرایند داوری
- آثار برگزیده
- کتابنامه‌ی رشد
- ثمربخشی برگزاری جشنواره
- رضایت عمومی از جشنواره

در ادامه، ارزیابی پاسخگویان درباره‌ی هر یک از مؤلفه‌های فوق، به تفکیک تشریح می‌شود.

۱. ارزیابی برنامه‌های مراسم اختتامیه

پاسخگویان، کیفیت برنامه‌های مراسم اختتامیه را براساس یازده مؤلفه روی طیف پنج درجه‌ای (از بسیار نامناسب تا بسیار مناسب) ارزیابی کردند. براساس میانگین‌های به‌دست آمده می‌توان اظهار داشت، ارزیابی پاسخگویان از کیفیت برنامه‌های مراسم اختتامیه «بیش‌تر مثبت است تا منفی». در عین حال، میانگین ارزیابی

پاسخگویان از نوع جایزه‌ی برگزیدگان (۲/۷۱)، کیفیت قدردانی از تقدیرشدگان (۲/۷۱)، و نحوه‌ی اجرای مجری (۴۳/۷۰)، بالاتر از سایر میانگین‌هاست. براین اساس می‌توان اظهار داشت، ارزیابی پاسخگویان از سه برنامه‌ی مذکور مثبت‌تر از ارزیابی آنان از سایر برنامه‌های مراسم اختتامیه بوده است.

میانگین ارزیابی پاسخگویان از سخنرانی‌های ارائه شده ۶۵/۳۷ می‌باشد. این مقدار، روی مقیاس صفر تا صد درجه، بین متوسط و زیاد است. به بیان دیگر، پاسخگویان کیفیت سخنرانی‌های مذکور را بالاتر از متوسط ارزیابی کرده‌اند.

ارزیابی پاسخگویان از کافی بودن تعداد برگزیدگان و تعداد تقدیرشدگان روی طیف پنج درجه‌ای با طبقات «خیلی کم تا خیلی زیاد» نشان می‌دهد، از نظر پاسخگوییانی که در این زمینه پاسخ تحلیل‌پذیر داده‌اند، تعداد برگزیدگان و تعداد تقدیرشدگان «تقریباً کافی» بوده است. خاطر نشان می‌سازد که تعداد قابل توجهی از پاسخگویان (تقریباً ۴۷ درصد) در این زمینه اظهار نظر نکرده‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص ارزیابی پاسخگویان از کیفیت برنامه‌ها بیانگر این نکته است که از میان ۱۴۵





شرکت کننده در مراسم که پرسشنامه‌ی نظر سنجی را تکمیل کرده‌اند، $41/3$ درصد برنامه‌ها را مناسب یا بسیار مناسب ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است که $11/7$ درصد از آن‌ها، کیفیت برنامه‌ها را تقریباً مناسب ارزیابی کرده‌اند، همچنین، $38/5$ درصد از

پاسخگویان از اظهار نظر در خصوص کیفیت برنامه‌های جشنواره خودداری کرده‌اند.

۲. ارزیابی ملاک‌ها و فرایند داوری

مدعوین مراسم اختتامیه، ملاک‌ها و فرایند داوری در چهارمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد را بر اساس سه مؤلفه‌های ملاک‌های داوری، ترکیب هیأت داوران و بیانیه‌ی هیأت داوران، روی طیف پنج درجه‌ای (بسیار نامناسب تا بسیار مناسب) ارزیابی کرده‌اند. $40/9$ درصد پاسخگویان (که پاسخ آنان در این زمینه تحلیل پذیر بوده است)، ملاک‌های داوری در این جشنواره را «مناسب یا بسیار مناسب» ارزیابی کرده‌اند. در حالی که 62 درصد «ترکیب هیأت داوران» و $70/6$ درصد «بیانیه‌ی هیأت داوران» را مناسب یا بسیار مناسب ارزیابی کرده‌اند. میانگین ارزیابی پاسخگویان از مؤلفه‌های فرایند داوری (ملاک‌های

داوری = $59/5$ ، ترکیب هیأت داوران = $64/8$ ، و بیانیه هیأت داوران = $67/6$) بالاتر از متوسط است. در نتیجه، ارزیابی پاسخگویان از فرایند داوری در چهارمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد «تقریباً مثبت» است.

همچنین، میانگین ارزیابی پاسخگویان از بیانیه‌ی هیأت داوران بالاتر از میانگین سایر موارد و انحراف معیار آن کم‌تر از انحراف معیار دو مؤلفه‌ی دیگر است. به بیان دیگر، ارزیابی پاسخگویان از بیانیه‌ی هیأت داوران مثبت‌تر از دو مؤلفه‌ی دیگر است.

۳. ارزیابی آثار برگزیده

مدعوین مراسم اختتامیه، آثار برگزیده‌ی این جشنواره را از دو منظر ارزیابی کرده‌اند: الف) مقایسه‌ی آثار برگزیده با سایر آثار ارائه شده به این جشنواره؛ ب) مقایسه‌ی آثار برگزیده‌ی این جشنواره با جشنواره‌ی قبل.



آثار با آثار برگزیده جشنواره‌ی قبل تفاوت چندانی نداشته‌اند. همچنین، ۹/۴ درصد پاسخگویان که پاسخ آن‌ها تحلیل‌پذیر بوده است، آثار برگزیده‌ی این جشنواره را «بدتر یا بسیار بدتر» از آثار برگزیده‌ی جشنواره‌ی قبل ارزیابی کرده‌اند.

میانگین ارزیابی پاسخگویان از کیفیت آثار برگزیده‌ی این جشنواره در مقایسه با آثار برگزیده‌ی جشنواره‌ی قبل، ۶۷ به دست آمده است. این مقدار، روی مقیاس صفر تا صد درجه، نشان می‌دهد که به عقیده‌ی پاسخگویان، آثار برگزیده‌ی این جشنواره، «برتری قابل توجهی» نسبت به آثار برگزیده‌ی جشنواره‌ی قبل داشته‌اند.

۴. ارزیابی کتابنامه‌ی رشد

«کتابنامه‌ی رشد»، یکی از عینی‌ترین برون‌دادهای طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی است. از همین رو، دیدگاه پاسخگویان درباره‌ی کتابنامه‌ی رشد، در سؤال ۳۲ پرسش‌نامه روی طیف پنج درجه‌ای (بسیار نامناسب تا بسیار مناسب) سنجیده شده است.

۵۲/۴ درصد پاسخگویان کتابنامه‌ی رشد را مناسب یا خیلی مناسب و ۵/۵ درصد، در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، تنها ۱/۴ درصد پاسخگویان کتابنامه‌ی رشد را نامناسب یا خیلی

از نظر ۳۶/۵ درصد پاسخگویان که پاسخ آنان در این زمینه تحلیل‌پذیر بوده است، آثار برگزیده «بهتر یا بسیار بهتر» از سایر آثار ارائه شده به جشنواره بوده‌اند. و به عقیده‌ی ۴۴/۴ درصد آنان، آثار برگزیده با آثار ارائه شده تفاوت چندانی نداشته‌اند. همچنین، ۱۹ درصد پاسخگویان که پاسخ آن‌ها تحلیل‌پذیر بوده است، آثار برگزیده را «بدتر یا بسیار بدتر» از سایر آثار ارائه شده به جشنواره ارزیابی کرده‌اند.

میانگین ارزیابی پاسخگویان از کیفیت آثار برگزیده در مقایسه با سایر آثار ارائه شده به جشنواره، ۵۴/۷ است. این مقدار، روی مقیاس صفر تا صد درجه، تقریباً در حد متوسط است. به بیان دیگر، آثار برگزیده‌ی جشنواره چهارم برتری قابل توجهی نسبت به سایر آثار ارائه شده به جشنواره نداشته‌اند.

از نظر ۶۷/۹ درصد پاسخگویان که پاسخ آنان تحلیل‌پذیر بوده است، آثار برگزیده‌ی این جشنواره، «بهتر یا بسیار بهتر» از آثار برگزیده‌ی جشنواره‌ی قبل بوده‌اند. و به عقیده‌ی ۲۲/۶ درصد، این

نامناسب ارزیابی کرده‌اند. به علاوه، ۴۰/۷ درصد پاسخگویان از بیان نظر خود در این زمینه خودداری کرده‌اند.

میانگین ارزیابی پاسخگویان از کتابنامه‌ی رشد ۸۵ درصد به دست آمده است. این میانگین، روی مقیاس صفر تا صد درجه، حاکی از ارزیابی «بسیار مثبت» مدعوین مراسم اختتامیه از کتابنامه‌ی رشد است.

۵. ارزیابی از ثمربخشی برگزاری جشنواره

دیدگاه پاسخگویان درباره‌ی ثمربخشی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، روی طیف پنج درجه‌ای (خیلی کم تا خیلی زیاد) براساس شش مؤلفه سنجیده شده است:

- عمومی کردن هدف‌ها و معیارهای تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی
- ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های آموزشی
- ایجاد فضای رقابتی و سازنده بین پدید آورندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی
- هماهنگی فعالیت بخش‌های دولتی و غیردولتی در حوزه‌ی تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی

● الگوسازی از طریق قدردانی از افراد خلاق در حوزه‌ی تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی

● تقویت دانش حرفه‌ای پدیدآورندگان و ناشران کتاب‌های آموزشی

چگونگی توزیع درصدها و مقدار میانگین‌ها نشان می‌دهد، ارزیابی پاسخگویان از ثمربخشی جشنواره «بیش‌تر مثبت است تا منفی».

میانگین ارزیابی پاسخگویان از مؤلفه‌ی الگوسازی از طریق قدردانی از افراد خلاق و مبتکر ۶۸/۶ است. این مقدار روی مقیاس صفر تا صد درجه، بالاتر از متوسط و تقریباً در حد زیاد است. به بیان دیگر، پاسخگویان موفقیت جشنواره را روی این مؤلفه تقریباً در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند. از آن‌جا که میانگین ارزیابی پاسخگویان روی این مؤلفه، از سایر میانگین‌ها بالاتر است، می‌توان بیان داشت که به عقیده‌ی پاسخگویان، موفقیت جشنواره در این زمینه بیش‌تر از سایر زمینه‌ها بوده است. به عقیده‌ی پاسخگویان، موفقیت جشنواره در «ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های آموزشی» (میانگین ۶۴/۲) و «ایجاد فضای رقابتی سازنده» (میانگین ۶۴/۸) تقریباً به یک اندازه و بالاتر از متوسط بوده است.

ثمربخشی جشنواره در



جشنواره کتاب‌های
آموزشی رشد



عمومی کردن هدف‌ها و معیارهای تدوین و نشر کتاب‌های آموزشی (میانگین ۶۱/۲) و تقویت دانش حرفه‌ای پدیدآورندگان و ناشران نیز تفسیری مشابه با دو مؤلفه‌ی قبلی دارد.

میانگین ارزیابی

پاسخگویان از مؤلفه‌ی هماهنگی فعالیت‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی ۵۶/۷ درصد است. با این که میانگین ارزیابی پاسخگویان روی این مؤلفه نیز «کم‌ی‌بالتر از متوسط» است، اما مقدار آن کم‌تر از سایر میانگین‌هاست. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که پاسخگویان، موفقیت جشنواره در هماهنگ کردن فعالیت‌های بخش‌های دولتی و غیردولتی را کم‌تر از سایر زمینه‌ها ارزیابی کرده‌اند.

براساس نتایج به دست آمده، تنها ۷/۹ درصد پاسخگویان میزان ثمربخشی جشنواره را کم ارزیابی کرده‌اند. بر همین اساس، ۱۴/۵ درصد میزان ثمربخشی را متوسط و ۴۷/۲ درصد آنان، ثمربخشی جشنواره را زیاد یا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. به عبارت دیگر و در مجموع می‌توان گفت، ارزیابی کلی پاسخگویان از جشنواره «نسبتاً مثبت» بوده است.

۶. رضایت عمومی از جشنواره

پاسخگویان در سؤال ۲۰ پرسش‌نامه، میزان رضایت خود را از چهارمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، روی طیف پنج درجه‌ای (خیلی ناراضی تا، خیلی راضی) بیان کرده‌اند.

نتایج نشان می‌دهد، ۴۸/۳ درصد پاسخگویان از این جشنواره راضی یا خیلی راضی بوده‌اند، در حالی که فقط ۳/۵ درصد پاسخگویان ناراضی یا خیلی ناراضی بوده‌اند. ۱۴/۵ درصد پاسخگویان نیز میزان رضایت خود را متوسط ابراز کرده‌اند.

میانگین رضایت عمومی پاسخگویان از جشنواره، ۶۸ درصد به دست آمده است. این مقدار نیز روی مقیاس صفر تا صد درجه، «بالتر از متوسط» است.



این موضوع که ادبیات کودکان در حقیقت یک پدیده‌ی طبیعی وفطری نیست و چیزی بیش‌تر از تصور دوران کودکی است که راه خود را به آن باز کرده است، اغلب نادیده گرفته می‌شود، اما در عوض آن یک مفهومی اجتماعی است که در عصر روشنگری اروپا در قرن ۱۸ پایه‌ عرصه وجود نهاده است.

برجیت دنکرت

ادبیات کودکان و نوجوانان، رویکردی اثربخش در تولید کتاب‌های کمک آموزشی



محمدعلی شامانی
سید امیر رون

اشاره

همه ساله کتاب‌های آموزشی متنوع و بسیاری با شمارگان بالا در سراسر جهان و ایران منتشر می‌شوند. این موضوع موجب رونق اقتصاد نشر در جهان شده است. کتاب‌های آموزشی در هر کشوری، متناسب با سیاست‌ها و راهبردی که در برنامه‌ریزی آموزش آن کشور مورد توجه قرار گرفته است، تولید می‌شوند، و در برخی از کشورها، بچه‌ها ناگزیر به مطالعه‌ی بسیاری از آن‌ها هستند.

از جمله، آن‌گاه که این کتاب‌ها در تنگنای سرفصل برنامه‌های درسی و سایه‌وار، به دنبال کتاب‌های درسی تألیف می‌شوند، مخاطب بودن حق انتخاب، ناگزیر باید برای موفق شدن در تحصیل تعدادی از آن‌ها را مرور کند. در پاره‌ای موارد نیز، به قدری تعدادشان کم است که حق انتخاب از مخاطب سلب می‌شود.

از نگاه کارشناسان برنامه‌ریزی آموزشی، کتاب‌های آموزشی باید از چارچوب و قالبی

◀ جایگاه ادبیات کودک و نوجوان در برنامه‌های آموزشی و درسی

کودکان قبل از ورود به مرحله‌ی آموزش رسمی، به نوعی باسواد محسوب می‌شوند. آنان، قبل از آمدن به مدرسه، علاوه بر این که با نشانه‌ها، علائم و حروف آشنا هستند، می‌توانند با دیگران نیز ارتباط برقرار کنند. هنگامی که کودک وارد مدرسه می‌شود، همچنان ذهنی فعال دارد و با ذهنی فعال برای آموختن خواندن و نوشتن وارد نظام آموزش رسمی می‌شود. جامعه‌ی آموزشی از کودک می‌خواهد، برای این که بتواند جزئی از جامعه‌ی باسواد شود، مهارت‌های زبانی، یعنی گوش کردن، حرف زدن، خواندن و نوشتن را بیاموزد. ادبیات بهترین راه تحقق این امر است. ولی آموختن این مهارت‌ها زمانی برای کودک معنی‌دارتر خواهد بود که خود او نیاز به آموختن و یادگیری را احساس کند. با توجه به این نکات، مربیان و محققان روش‌هایی را برای آموزش کودکان و نوجوانان ارائه کرده‌اند که ادبیات پایه و اساس آن‌هاست.

از گذشته‌های دور، مربیان و صاحب‌نظران به دلیل جهانی، کهنسال و جذاب بودن ادبیات کودک و نوجوان، به ارزش آموزش آن پی برده بودند. از استرابو، تاریخ‌نگار و جغرافیدان یونانی نقل شده است: «در ایران باستان... روایت

ویژه و تعریف شده برخوردار باشند و با هدف‌های روشن آموزشی، به تبیین و بازشکافی مواد آموزشی و تسهیل جریان یاددهی-یادگیری بپردازند. اما علاوه بر این‌ها، کتاب‌های آموزشی باید از انعطاف‌پذیری لازم و شوق‌انگیزی مناسب برخوردار باشند؛ نکته‌ای که تاکنون در تولید این گونه کتاب‌ها کم‌تر مورد توجه بوده است.

بدیهی است، توجه به نیازهای مخاطب و علاقه‌های او، فرایند تولید کتاب‌های آموزشی را به سوی جریان‌ی نرم و منعطف راهنمایی خواهد کرد؛ جریان‌ی که تلاش وافر دارد، هرچه بیش‌تر خود را به حوزه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان نزدیک کند، از آموزش‌های مستقیم فاصله بگیرد و با انتخاب زبان و بیان و استعاره‌های مناسب، در قالب‌هایی جذاب، خواننده را به خواندن تشویق کند. اما بسیاری از تولیدکنندگان کتاب‌های آموزشی حاضر نیستند، برای تولید این مسیر دشوار راضی کنند. چه آن که اندک‌نویسندگان کتاب‌های آموزشی که با ادبیات کودک آشنایی کافی داشته باشند. امیدواریم روزی برسد که بتوانیم از میان نویسندگان کودک و نوجوان، افراد علاقه‌مندی را بیابیم که به طور جدی به حوزه‌ی آموزش وارد شوند و کتاب‌های خواندنی مناسبی را تولید کنند. اگر روزی بتوانیم به این مقصود نائل آییم، مطمئناً توانسته‌ایم «رویکرد جدیدی را توسعه دهیم که موجب اثربخشی» هرچه بیش‌تر کتاب‌های آموزشی خواهد شد.

افسانه‌ها و داستان‌های اسطوره‌ها و ایزدان، همواره از آموزش‌های رسمی کودکان و نوجوانان پیش از اسلام بوده است (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۵)...

در دوران پس از اسلام، از جمله شاعران بزرگی که کودکان را نیز مخاطب خود قرار می‌دادند، عطار نیشابوری بود. برای مثال، حکایت دانا از الهی‌نامه، سرگذشت

کودکی هندی است که خود را به گنگی زد تا زبان دختر شاه پریان را یاد بگیرد (همان، ص ۱۵۴).

ادبیات به عنوان شیوه‌ای برای آموزش مورد توجه مربیان بزرگی مانند دیوبی و مونتسوری بوده است.

هرچند در زمان آنان این شیوه در کلاس درس چندان جدی گرفته نشد، ولی

برای اولین بار، رسم داستان‌گویی برای فراگیران به نحوی سازمان‌یافته و منظم، از «کتابخانه‌ی کارنگی» در پیتسبورگ، در سال ۱۸۹۹ آغاز شد.

یکی از دانشمندان تربیتی که در قرن‌های جدید ارزش و اهمیت آموزش ادبیات را دریافت، فروبل آلمانی، مؤسس کودکانستان است. او اساس کار تربیت کودکان را بر ادبیات نهاد. بعد از او، به

تدریج مربیان دیگر به اهمیت کتاب‌های حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان در آموزش و پرورش پی بردند؛ به طوری که امروزه ارزش خاصی برای آن قائلند.

هم‌اکنون نیز در بعضی از مدرسه‌های کشورمان، استفاده از کتاب‌های حوزه‌ی ادبیات کم و بیش رواج دارد، ولی از نتایج و کم و کیف آن گزارش مستدلی در دست نیست. با آن‌که استفاده از

این سنت فرهنگی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد، ولی هنوز به عنوان یک روش تربیتی در محفل‌ها، برنامه‌ها و کتاب‌های آموزشی قابل کاربرد نیست و به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ شاید به این دلیل باشد که ارزیابی نگرش و تخیل چندان ساده نیست.

برنامه‌های آموزشی و درسی براساس این فرض تدوین می‌شوند که برای آموزش

کودکان و نوجوانان باید از مفاهیم ساده و عینی شروع کرد و به موضوعات پیچیده و انتزاعی رسید. بنا بر نظریه‌ی پیاژه، کودکان پیش‌دبستانی در مرحله‌ی «عملیات عینی^۱» قرار دارند و توانایی درک مفاهیم انتزاعی و پیچیده را ندارند. از سوی دیگر، در داستان‌های مثل «سیندرلا»، با تضادهایی مثل ترس، امید، مهربانی، ظلم و البته خوبی

**برنامه‌های آموزشی و
درسی براساس این
فرض تدوین می‌شوند
که برای آموزش کودکان
و نوجوانان باید از
مفاهیم ساده و عینی
شروع کرد و به
موضوعات پیچیده و
انتزاعی رسید**

و بدی مواجه می شویم. کودک پنج ساله برای این که این داستان را بفهمد، باید این مفاهیم انتزاعی را درک کند و ما دیده ایم که کودکان پنج ساله چندان مشکلی در درک این داستان ندارند. نکته ای که کی رن ایگان (۱۹۸۶)، استاد تعلیم و تربیت مطرح می کند، این است که در برنامه های آموزشی و درسی، با این پیش فرض که کودک فاقد توانایی های لازم برای درک بعضی از مفاهیم است، قدرت تخیل او نادیده گرفته می شود.

بدین ترتیب، لزوم بررسی روش های مؤثرتر و گیراتر برای برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان، و ایجاد میل و علاقه به یادگیری، تفکر و تحقیق در آنان، از جمله عوامل مهمی است که اهمیت استفاده از ادبیات در کتاب های آموزشی را که یکی از عناصر مهم و اثربخش برنامه های آموزشی و درسی است، روشن می سازد. با توجه به تحقیقات انجام شده توسط جوادی (۱۳۷۷) درباره ی محتوای کتاب های درسی، به ویژه کتاب تعلیمات دینی پایه ی دوم، درس هایی که در قالب داستان و رعایت نکات عاطفی طراحی شده اند، برای فراگیران جذابیت بیش تری دارند و درس هایی که با لحن خطابی و با پند و اندرز به صورت آموزش مستقیم نوشته شده اند، از کم ترین جذابیت برخوردارند. مطالب کتاب تعلیمات دینی پایه ی چهارم نیز حفظی است و هیچ انگیزه ای در کودک ایجاد نمی کند.

به نظر می رسد، از یک سو، کتاب های درسی موجود پاسخگوی نیازهای فراگیران امروز که در جهانی متمدن زندگی می کنند، نیست. از سوی دیگر، تدوین کنندگان کتاب های درسی، برای تهیه ی کتابی که بتواند پاسخگوی نیازهای همه ی کودکان و نوجوانان سراسر کشور، با استعدادها و علاقه ها و فرهنگ های بومی و منطقه ای گوناگون باشد، با محدودیت هایی مواجهند. ولی می توان به کمک ادبیات و محتوای کتاب های کمک آموزشی، به همین متون جان تازه ای بخشید و شرایط یادگیری را بهتر و سهل تر کرد. تحقیقات نشان داده اند، ادبیات با به کارگرفتن زبان فهم و تخیل فراگیران، در آنان انگیزه ی یادگیری ایجاد می کند (نلسون لاین، ۱۹۹۹ و رابرایت لن، ۱۹۹۶).

از جمله شیوه های استفاده از ادبیات داستانی برای ایجاد تفکر خلاق، می توان به کارهای زاپیس در زمینه ی کارکردن با کودکان با استفاده از قصه های پریان اشاره کرد (۱۹۹۵). به علاوه، ادبیات فراگیران را با تفاوت های فرهنگی آشنا می کند که در این زمینه می توان به تحقیقات زابل - مری کی (۱۹۹۱) و تیفانی جنسن (۲۰۰۳) اشاره کرد. ادبیات داستانی فرایندی است که براساس آن، نویسنده یا راوی، با استفاده از نوشتار، روایت، گفتار و تخیل ذهنی، با فراگیر که او هم تخیل ذهنی خود را به کار می برد، ارتباط برقرار می کند. در این حالت، بین فراگیر و نویسنده ارتباطی مبتنی

بر یاددهی و یادگیری و خلاقیت متقابل برقرار می‌شود (رونی، ۱۹۹۶).

زاپس ادبیات داستانی را فرایندی پویا می‌داند که فعالیت‌های متفاوتی از قبیل بازگویی و بازآفرینی داستان توسط کودک و معلم و نیز نمایش و ایفای نقش را در بر می‌گیرد و به این ترتیب، تفکر خلاق، توان یادگیری و بیان احساسات و نیز روحیه‌ی همکاری گروهی در کودکان، پرورش می‌یابد (زاپس، ۱۹۹۵).

جروم هارست و ویرجینیارود (۱۹۸۹)، سال‌ها در کار تحقیقات مربوط به برنامه‌های آموزشی و درسی بوده‌اند. آن‌ها برای داشتن محیط مستعد آموزشی سه عامل را کلیدی دانسته‌اند:

۱. کمک به فراگیر برای رسیدن به موفقیت: به این معنا که کسب تجربه‌ی دست‌اول، برای کودکان و نوجوانان بهترین راه یادگیری است. در محیط تربیتی، باید انواع مواد نوشتنی در دسترس باشند. استفاده از ادبیات برای فراگیران، یکی از برنامه‌های اصلی در برنامه‌ی آموزشی و درسی باشد، و امکانات بسیاری برای نوشتن، طراحی، خواندن و گوش دادن فراهم آمده باشد. «انجمن ملی تعلیم و تربیت»، برای کودکان خردسال (۱۹۹۷)، سه عامل مهم را به منظور ایجاد فرصت‌های یادگیری برای آنان برمی‌شمارد. آنچه برای خردسالان ارائه می‌شود، باید با سن آن‌ها، با علاقه‌ها و

توانایی‌های تک‌تکشان، و با محیط فرهنگی و اجتماعی‌شان متناسب باشد.

۲. تأکید بر یادگیری زبان: ادبیات راهی است برای کاوش در جهان و نه صرفاً آموختن مهارت‌های خواندن. خواندن و نوشتن باید به عنوان بازی، یادگیری زبان، تجربه‌ی آموختن با زبان و فکر کردن تلقی شوند.

۳. کاوش در زبان: باید فرصت‌های فراوانی برای ایجاد توانایی برقراری ارتباط با کودکان، از طریق ادبیات و شیوه‌های ارائه‌ی آن (قصه‌خوانی، بازی، اجرای نمایش و...) فراهم شود. در ضمن، فراگیران باید احساس نویسنده بودن پیدا کنند. به این معنا که بتوانند خود را در داستان قرار دهند. این کار از طریق گوش کردن، خلق کردن، بحث درباره‌ی وقایع و نمایش امکانپذیر است (والتر سایید، ۲۰۰۰، ص ۸۰۷).

در کتاب «راهنمای تدریس کلاس اول دبستان» (اجرای آزمایشی) آمده است، کلیه‌ی کوشش‌هایی که در زمینه‌ی آموزش زبان در دبستان انجام می‌گیرد، باید در جهت پرورش ارکان چهارگانه‌ی آموزش زبان، یعنی شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن باشد (۱۳۷۹). ولی آموختن این مهارت‌ها به زمینه‌ای نیاز دارد که در آن، همه‌ی جنبه‌های یادگیری در نظر گرفته شوند.

به قول رایت‌هد (۱۹۹۷)، آموزش باید



بر اساس تجربه‌های عمیق و با ارزش نمادسازی، بازنمایی معانی از طریق مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی، حرکات، ایفای نقش، گوش کردن، سخن گفتن، طراحی، نقاشی، قصه‌گویی، شعرخوانی، بررسی‌های علمی و ریاضی و جشن‌های مذهبی انجام شود (به نقل از مزین پافارد، ۱۹۹۴). در واقع، کودکان و نوجوانان باید به مهارت‌هایی مجهز شوند که بتوانند از طریق آن‌ها افکار و احساسات

خود را بیان کنند. وقتی با این دیدگاه به آموزش بنگریم، طبعاً راه و روشی که برای آن انتخاب می‌کنیم، فراتر از صرف آموختن مهارت‌های زبانی است.

تحقیقات دیگر، خواندن را جست‌وجویی فعال برای یافتن معنا می‌دانند (اسمیت، ۱۹۷۱). این عقیده محققان را بر آن داشت که به اهمیت مواجه کردن کودک با حروف چاپی قبل از ورود به مدرسه توجه کنند. در واقع بر اساس این دیدگاه، کودک قبل از آشنایی با حرف، کلمه و جمله، با متن مواجه می‌شود. البته این دیدگاه، از جانب محققانی که به رهیافت مبتنی بر مهارت اعتقاد دارند، انتقادهایی را برانگیخته است (برد، ۱۹۹۳).

مرچنت (۱۹۹۹) به ترکیبی از این دو رهیافت اعتقاد دارد. به اعتقاد او، همه‌ی

فعالیت‌های آموزشی، خواه از یادگیری حروف آغاز شوند خواه از کل متن، باید سرانجام به دست یافتن معنا از متن منجر شوند. این محقق معتقد است، کودکان را باید با همه‌ی جنبه‌ها و همه‌ی سطوح فرایند خواندن آشنا کرد. ماگارت دونالدسون، روان‌شناس می‌گوید، داستان به رشد زبانی کودک کمک می‌کند. نه به این دلیل که زبان در آن به کار می‌رود، بلکه به این دلیل که با عواطف انسانی سروکار دارد. به اعتقاد او، نوآموزان خردسال نیز می‌توانند به عواطف انسانی در داستان‌ها پی ببرند و همین، خواندن را برای آنان معنی‌دار می‌کند (به نقل از کوپر، ۱۹۹۳).

برای مثال پتی کوپر (۱۹۹۳) در اواسط دهه‌ی ۸۰، با توجه به دیدگاه «زبان جامع»^۲، رهیافتی را مطرح کرد که بعضی آن را فلسفه می‌دانند و نه روش آموزش (تام

وایت مورام گودمن^۳ است. در این کتاب، ۵۰ راهبرد آموزشی ارائه می‌شوند که مربیان و نویسندگان می‌توانند، با توجه به رهیافت زبان جامع در ارائه‌ی محتوای آموزشی، آن‌ها را به کار برند. بدین ترتیب، با توجه به نکات یاد شده، مربیان و محققان روش‌هایی را برای آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان ارائه کرده‌اند که ادبیات پایه و اساس آن‌هاست. بر اساس این روش‌ها و یا ترکیبی از آن‌ها، می‌توان کتاب‌های کمک‌آموزشی مفید و مناسب رشد، تکامل، نیازها و رغبت‌های سنی خوانندگان طراحی و تدوین کرد.

◀ شیوه‌های استفاده از ادبیات کودکان و نوجوانان در کتاب‌های کمک‌آموزشی

یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین منابع تحقیق یادگیری مؤثر و پایدار در کودکان و نوجوانان، کتاب‌های کمک‌آموزشی هستند. این دسته از کتاب‌ها به منظور ایجاد انگیزه، توسعه‌ی یادگیری، افزایش دانش و سواد علمی، پرورش مهارت‌های ذهنی و عملی، رشد روابط اجتماعی و ارتقای یادگیرنده، بر اساس هدف‌ها و برنامه‌های خاصی تهیه و تنظیم می‌شوند و می‌توان آن‌ها را به عنوان یکی از اجزای مهم بسته‌های آموزش یا عناصر برنامه‌های آموزشی و درسی برشمرد که توانسته‌اند،

مندویل، ۱۹۹۸). این رهیافت به اولین جنبش در آموزش خواندن و نوشتن منجر شد که به نحوی مؤثر، داستان‌هایی از ادبیات کودکان را در برنامه‌ی آموزشی و درسی گنجاند. در مورد این روش، تعریفی که مورد توافق همه باشد در دست نیست، ولی عمدتاً آن را فلسفه‌ای پویا در تعلیم و تربیت می‌دانند. چند تعریف این روش از این قرارند:

○ رهیافتی جامع به اکتساب زبان و سواد آموزی؛

○ اعتقاد به این که یادگیری در صورتی که از کل به جزء پیش برود و برای یادگیرندگان جنبه‌ی کاربردی داشته باشد، بهترین نتیجه را در بر دارد؛

○ اعتقاد به این که یادگیری شخصی و اجتماعی است؛

○ پذیرش همه‌ی یادگیرندگان، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و تجربه‌هایی که یادگیرندگان با خود به حیطه‌ی تعلیم و تربیت می‌آورند؛

○ این اعتقاد که یادگیری، هم لذت بخش است و هم ارضاکننده؛

○ زبان جامع، برنامه، روش یا تکنیک نیست، بلکه دیدگاهی است به زبان و یادگیری که به پذیرش راهبردها، روش‌ها و تکنیک‌های معین و خاصی منجر می‌شود (دوروتی واتسون، ۱۹۸۵).

یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه اطلاعاتی به دست می‌دهد، کتاب «Teacher Education» نوشته‌ی کیتی و

در کنار ابزار پیچیده و به سرعت توسعه یافته‌ی رسانه‌ای در همه‌ی نظام‌های آموزشی جهان، همچنان اهمیت خود را حفظ کنند و شرایط یادگیری را برای سطوح متفاوت فراگیران، فراهم و آسان سازند (دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۸۳)

در ادامه‌ی این مبحث، نگارنده می‌کوشد، شیوه‌های استفاده از ادبیات کودکان و نوجوانان را در کتاب‌های کمک آموزشی تا حدودی تبیین کند.

یکی از راه‌هایی که مریان تربیتی برای ارائه‌ی محتوای آموزش پیشنهاد کرده‌اند، شیوه‌ی روایتگری متون آموزشی است. در واقع در سال‌های اخیر، این شیوه جای مهمی در آموزش و پرورش به خود اختصاص داده است (رویتز، ۲۰۰۲).

روایت عبارت است از بازگویی مجموعه‌ای از وقایع به نحوی منظم که به شکل یک داستان درآید (سیمون مالپاس، ۲۰۰۱). هرچند روایت با داستان مربوط است، اما در روایت به وقایعی پرداخته می‌شود که واقعیت دارند. در واقع، بسیاری از دانشمندان مانند داروین و فروید، بحث‌های خود را به صورت روایت مطرح کرده‌اند (همان منبع). به قول بروکس، «زندگی ما با روایتگری تنیده شده است. ما با داستان‌هایی که می‌گوییم و می‌شنویم یا خیال می‌کنیم یا می‌خواهیم بگوییم، در واقع زندگی می‌کنیم. با روایت به گذشته می‌اندیشیم و آینده را پیش‌بینی می‌کنیم و یا هاردی می‌گویید، ما با روایت

خواب می‌بینیم، به رویاپردازی دست می‌زنیم، انتقاد می‌کنیم، می‌آموزیم و عشق و نفرت می‌ورزیم (دی‌ودی، ۱۹۷۷). پس به طور خلاصه، ما وقایع، احساسات و تجربه‌هایی را به صورت روایت در ذهنمان مرور می‌کنیم که زندگی‌مان را می‌سازند. آن‌ها را توضیح می‌دهیم و حتی تجربه می‌کنیم. برخی نیز معتقدند، روایت چارچوبی بنیادی است برای این که انسان بتواند از طریق آن به جهان اطرافش معنا دهد (بروند، ۱۹۸۶، ۲۰۰۲).

گودموندز دویتز می‌گوید، محتوای آموزشی را می‌توان متنی روایتی تلقی کرد و آموزش در واقع یعنی به کار بستن تعبیرهایی که از متن می‌شود (رویتز، ۲۰۰۲). در واقع با این کار زمینه‌ای فراهم می‌کند تا یادگیرنده بتواند، با موضوع آموزشی ارتباط متقابل برقرار کند. یکی از مریانی که با توجه به این دیدگاه در تدوین متون آموزشی الگویی ارائه کرده، کی‌رن ایگان است. او عقیده دارد، اگر مشخص کنیم کدام ویژگی‌های داستان کودک را جذب می‌کنند، می‌توانیم همان ویژگی‌ها را در انتقال مفاهیم متون آموزشی به کار ببریم.

داستان‌ها به تعبیر ایگان، ریتم، تضادهای دوگانه و معناهای عاطفی دارند. ریتم به این مفهوم که داستان، آغاز، وسط و پایان دارد. او می‌گوید، داستان در ابتدا مسأله یا انتظاری ایجاد می‌کند که همین مسأله یا انتظار است که در داستان بسط پیدا

و بد، شجاعت و ترس، احساس امنیت و ترس و غیره. در واقع با در نظر گرفتن این تضادها می‌توان متون آموزش را تنظیم کرد. برای مثال، آموزش علوم اجتماعی با بررسی دو قطب متضاد مانند تمدن و توحش آغاز می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های داستان، معناهای عاطفی آن است. در واقع در داستان، با احساسات آدمی مواجه می‌شویم. تعلیم و تربیت بیش‌تر با جنبه‌ی منطقی امور سروکار دارد. ایگان معتقد است، جنبه‌ی عاطفی یادگیری در آموزش نادیده گرفته شده است که در نتیجه این جنبه از تفکر فراگیر نیز نادیده گرفته می‌شود. ایگان توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان در حوزه‌های آموزشی مثل ریاضیات و علوم، بر مضمون‌هایی تمرکز کرد که جنبه‌های عاطفی این درس‌ها را بارزتر کنند. در واقع او معتقد است، برای این که این گونه رشته‌های آموزشی را به «انسانی» شدن نزدیک کنیم، باید کارهای محاسباتی آن‌ها را با مقاصد

انسانی، امیدها، ترس‌ها و همه‌ی این عواطفی که در اصل باعث ایجاد آن شده‌اند، ارتباط دهیم. به این معنا که اگر یادگیرنده احساس کند، یک محاسبه‌ی ریاضی صرفاً مهارتی نیست که باید آموخته

می‌کند و در پایان حل و فصل می‌شود (ایگان، ۱۹۸۶). هر چه در داستان می‌گذرد، به نحوی بر موضوع اصلی داستان متمرکز است و موضوعی که به ریتم داستان کمک نکند، یا به داستان ربطی نداشته باشد، باعث می‌شود که علاقه‌ی کودک و نوجوان از داستان سلب شود. مثلاً اگر قرار بود در داستان «سیندرلا»، موضوع خواهران زشت دنبال شود و سیندرلا به حال خود رها شود، مسأله‌ی اصلی داستان حل نشده باقی می‌ماند. به اعتقاد ایگان، ما باید در ارائه‌ی محتوای آموزش به چیزهایی توجه کنیم که مسأله‌ی اصلی آموزش را حل و فصل می‌کنند. برای مثال در آغاز متن، حس تنشی دراماتیک یا تضاد و انتظاری ایجاد شود و در پایان مبحث آموزش حل و فصل شود (همان منبع).

یکی دیگر از ویژگی‌های داستان، تضادهای دوگانه است. تضاد بین: خوب



شود، بلکه راه حلی است برای یک هدف انسانی، برایش جاذبه خواهد داشت.

محققان دیگری نیز از الگوی ایگان برای تدوین و ارائه‌ی محتوای آموزشی و درسی سود جسته‌اند. از جمله استاین که معتقد است، تخیل «آغاز تازه‌ای است که آیننده از آن ریشه می‌گیرد». او دست‌اندرکاران امر آموزش را تشویق می‌کند که با به‌کارگیری تخیل دانش‌آموزان، برنامه‌های آموزشی و درسی را پربارتر کنند (استاین، به نقل از پرو، ۲۰۰۰).

در واقع، تولید کتاب‌های کمک آموزشی مبتنی بر ادبیات، چه به شیوه‌ی ایگان یا شیوه‌های کهن که در واقع ایگان از آن‌ها الهام گرفته است نشان می‌دهد، دوباره متولیان امر آموزش و پرورش در کشورهای توسعه‌یافته به این شیوه‌ی آموزشی و تربیتی که در واقع جهانی و کهنسال است، متوسل شده‌اند. به این ترتیب، ضمن این که کودکان و نوجوانان با میراث فرهنگی خود آشنا می‌شوند، شوق و انگیزه‌ی یادگیری مفاهیم آموزش نیز در آنان افزایش می‌یابد.

جمع‌بندی

از آنچه طرح شد می‌توان دریافت، هرگونه یاددهی و یادگیری اعم از رسمی و غیررسمی، ناگزیر است از ادبیات کودکان

و نوجوانان استفاده کند. به وسیله‌ی ادبیات می‌توان «حقایق» زیادی را درباره‌ی تاریخ، جغرافیا، مبادی علوم، طبیعت، گیاهان، حیوانات، اصول ریاضیات، اجتماع، فضایل اخلاقی و حوزه‌های آموزشی دیگر به کودکان و نوجوانان آموخت. هر شیوه‌ای از ادبیات دارای هدف، فکر، نتیجه، خیال، روش و زبان خاصی است و هر یک از این‌ها در تکوین شخصیت و سطح دانش، نگرش و مهارت کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد.

نکات مشترک ادبیات و کتاب‌های کمک‌آموزشی کودکان و نوجوانان عبارتند از:

۱. از بعد معنایی و محتوایی براساس ویژگی‌هایی چون ارتباط با علاقه، نیاز، رغبت و توانایی فراگیران انتخاب و ارائه می‌شوند.

۲. آموزندگی و سازندگی را درون خود دارند و هیجان و جوشش درونی انسان، آفریننده‌ی آن‌ها است. عموماً یا به عمق احساس، فکر و حالات انسان دست می‌یابند، یا حقیقتی را بیان می‌کنند و یا در توصیف ماجراها، دید و تجربه‌ای بکر و سرشار از زندگی را عرضه می‌کنند.

۳. تلاش دارند با تازگی خود چه در محتوای و چه در قالب، دید و شناخت خواننده را گسترش دهند. به علاوه، مدعی ارائه‌ی طریق و راه‌حل همه‌ی مسأله‌ها نیستند، بلکه خواننده را به تفکر،

تعمق و جست‌وجو و آمی‌دارند و نیروها و استعدادهای او را در جهت ارتقای دانش، نگرش و مهارت خود به حرکت درمی‌آورند.

۴. محتوای آن‌ها سیر منطقی و حرکتی از ساده به مشکل، پیوستگی و انسجام موضوعی دارد و با توجه به پیش‌دانسته‌ها و پیش‌آموخته‌های کودکان و نوجوانان تنظیم و ارائه می‌شوند.

۵. از واژگان و جملات متناسب با سن مخاطب بهره می‌گیرند و به یادگیری زبان ملی و توسعه‌ی سواد علمی کمک می‌کنند.

۶. به تربیت همه‌جانبه‌ی شخصیت کودکان و نوجوانان، تقویت اعتماد به نفس آن‌ها، آشنا ساختن آن‌ها با دنیای خویش، راهنمایی اخلاقی آن‌ها و افزایش رغبت‌های مثبت و سلامت روانی آن‌ها، بدون این‌که اجباری در میان باشد، توجه دارند.

۷. کودکان و نوجوانان را در اندیشیدن، درست گفتن، درست خواندن و درست نوشتن یاری می‌کنند و به آن‌ها این توانایی را می‌بخشند که بتوانند به سهولت و سرعت با دیگران روابط کلامی برقرار کنند و از تفاهم مطلوب برخوردار شوند.

۸. بر فعالیت‌های فکری، نگرشی و مهارتی مخاطبان و تنوع در قالب‌های ارائه‌ی محتوا (برای مثال داستانی، روایتی، تصویری و...) تأکید دارند.

۹. از طریق ارائه‌ی اطلاعات درست در زمینه‌های گوناگون (خویش‌شن، طبیعت، جهان و...) به جبران کمبودها و محدودیت‌های کتاب‌های درسی و زمان آموزش رسمی (مدرسه) می‌پردازند. به عبارت دیگر، با برانگیختن ذوق و علاقه‌ی کودکان و نوجوانان به مطالعه‌ی آزاد کتاب‌های کمک‌آموزشی که با رویکرد ادبیات تألیف شده‌اند، این اصل مهم که «تربیت باید مداوم باشد»، واقعیت پیدا می‌کند.

زیرنویس

1. Concrete Operations
2. whole Language
3. Kaity & whitmor M. Goodman

منابع

۱. آموزش و پرورش در دوره‌ی انتقال، ویژه‌ی پایه‌ی اول دبستان (جلد اول).
۲. جوادی، محمدجعفر (۱۳۷۷). «بررسی نظرات اولیای دانش‌آموزان و معلمان دوره‌ی ابتدایی درباره‌ی کتاب‌های درسی این دوره». فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، سال چهاردهم.
۳. پلووسکی، آن (۱۹۸۰). ارزیابی کتاب‌های کودکان در کشورهای رو به رشد. ترجمه‌ی امیر فرهمندپور. انتشارات سروش. ۱۳۶۸.
۴. چمبرز، دیویی (۱۹۷۵). قصه‌گویی و نمایش خلاق. ترجمه‌ی ثریا قزل‌ایاغ. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۶.
۵. خمارلو، توران (میرهادی). جست‌وجو در راه‌های تربیت. تهران. ۱۳۶۲.
۶. محمدی، محمدهادی، و قائینی، زهره. تاریخ ادبیات کودکان ایران. نشر چیستا. جلدهای اول تا سوم. ۱۳۸۰.

literature in the Elementary school, Mc Graw, Hill.

24. Jenson. Tiffany. "Cinderella, The evolution of a story: AN Examination of..." www.usu.edu/antho/origins.of.writing/2003.

25. Nelsonn lyn. R. and Nelson Trudy A, "Learning History..." 1999.

26. Roney, R - Craig, "story telling in the classroom some..." 1996.

27. Rubright Lgmn (1996). Begond the... through story telling. Heinman, Portsmouth.

28. Sawyer, walfer (2000) Growing up with literature. Delmar.

29. Templeton, shane (1997). Teaching the integrated language Art. Houghton miffin. Company.

30. Wlu. Wlu Beliefs. <http://www.ncte.org/wlu/beliefs.shtml>.

31. Wright. Andrew (1995). storytelling with children, oxford university press.

32. Zipes. Jack (1995). creative story telling. Routelege.

33. Zabel Marykay "Preventing - School. failure". V36, Fall. 1991. preventing school - failure.

۷. دفتر انتشارات کمک آموزشی. «مجموعه راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی». دبیرخانه ی سامان بخشی کتاب‌های آموزشی. ۱۳۸۳.

۸. هدایت، صادق. فرهنگ عامیانه ی مردم ایران. گردآورنده: جهانگیر هدایت. نشر چشمه. ۱۳۷۸.

۹. شعاری نژاد، علی اکبر. روان شناسی یادگیری. انتشارات توس. تهران. ۱۳۶۳.

۱۰. شورای کتاب کودک. ۳۹ مقاله درباره ی ادبیات کودکان. تهران. ۱۳۶۳.

۱۱. لیلی ایمن (آهی) و همکاران. گذری در ادبیات کودک. شورای کتاب کودک. تهران. ۱۳۵۵.

۱۲. یاسایی، مهشید. «قصه گویی در کلاس درس، رویکردی خلاق به یادگیری». پژوهشکده ی تعلیم و تربیت. ۱۳۸۲.

13. Andreoletti, Nancy, "Little Red Riding Hood and Lonpopo", A:/LONPOPO. HTM.2000.

14. Beard, R(ed) (1993). Teaching Literacy. London: Hodder.

15. Bruner, J. (1986). Actual Minds Possible worlds. Combrige.

16. Cooper patsy (1993). When stories come to school.

17. Craft, Anna (2000). Creativity across Curriculum, Routledge.

18. Egan, Kieran (1985). Teaching as story telling. the university of chicago press.

19. Elliot, R.K (1975). "Imagination. A kind of magical faculty, Inaugural Lecture", university of Birmengham. in creativity across curriculum edited by craft (2000).

20. Garcia, Egen. (2002) Student cultural diversity, Houghton Miffin Company.

21. Gebwitz, Judi (2002) "Damid thompson Elementary, Kamloops", BC./ story telling: A powerful strategy in Teaching history.

22. Good, Carter (1945), Dictionary of Education, Mc Graw - Hill Book Company.

23. Huck, charlotte (1989), children's

برخی کتاب‌ها را باید چشید، بعضی دیگر را باید بلعید و
قلیلی را هم باید جوید و هضم کرد. **فرانسیس بایگون**

هنگام انتخاب کتاب برای فراگیرندگان، به چه نکاتی باید توجه کرد

احمد شریفان



اشاره

این مقاله برگرفته از دسترنج پنج نفر از مدرسان و صاحب نظران معروف در زمینه‌ی آموزش خواندن، به نام‌های الیزابت اس. پنگ^۱، آنجلوکی موکا^۲، الیزابت بی. برن هاردت^۳، مایکل ال. کمیل^۴، ولورن کریسنی براون^۵ است. محتوای مقاله شامل شش رهنمود برای انتخاب کتاب می‌شود که بر پایه‌ی پژوهش‌های معتبر در ارتباط با خواندن به دست آمده‌اند. این رهنمودها، برای تمامی فراگیرندگان و افرادی که در ارتباط با آنان به فعالیت‌های آموزشی و حمایتی اقدام می‌کنند، از کارایی لازم برخوردار است و به انتخاب کتاب مناسب برای آنان و در نهایت لذت حاصل از خواندن آن منجر می‌شود.

نکته‌ی اول

به طور کلی، داشتن دانش قبلی به درک مطلب کمک می‌کند. دانش قبلی ابعاد گوناگونی مانند دانش مربوط به جهان، دانش فرهنگی، دانش موضوعی و دانش زبان‌شناسی را شامل می‌شود. از سوی دیگر، دانش فراگیرنده در این موارد، به تجربه‌ی زندگی او بستگی دارد. بنابراین؛ هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، به دانش قبلی، علاقه‌های فراگیرنده و موضوع کتاب توجه کنیم.

نکته‌ی دوم

فراگیرنده‌ای، متنی را برای فهمیدن معنای آن و به کار بردن آنچه که فهمیده است، می‌خواند، در حالی که دیگری، متنی را برای یادگیری، دسترسی به اطلاعات، سرگرم شدن، یافتن جواب یک سؤال، و یا به عنوان فعالیتی مذهبی می‌خواند. به بیان دیگر، هدف از خواندن تا حد زیادی به انگیزه‌ی فراگیرنده بستگی دارد. بنابراین، هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، از نیازهای یادگیری فراگیرنده که شامل انگیزه و هدف او از خواندن کتاب و هدفی که از خواندن در زندگی دارد، آگاه باشیم. زیرا، کتاب‌ها و مواد خواندنی جذاب و مناسب برای فراگیرنده، انگیزه‌ی او را برای خواندن آن کتاب بیش تر می‌کنند.

خواندن، فعالیت پیچیده‌ای است که تفکر و فهم را شامل می‌شود. در واقع، خواندن، دو فرایند مرتبط به هم، یعنی، شناسایی لغت و «درک مطلب» را در بر می‌گیرد. شناسایی لغت، به فرایند درک نحوه‌ی انطباق نمادهای نوشته شده با زبان گفتاری خواننده اشاره دارد؛ و درک مطلب، فرایند حساس شدن به لغات، عبارات و ارتباط معنایی آن‌هاست. خواننده هنگام خواندن، دانش قبلی، خزانة لغات، دانش دستور زبانی، تجربه‌اش در مورد متن و سایر راهبردهایی را که برای درک متن نوشته شده به او کمک می‌کنند، به کار می‌برد.

توانایی خواندن، دیدگان فراگیرندگان را به دنیای تازه‌ای می‌گشاید و فرصت‌های جدیدی را برای آنان فراهم می‌آورد. خواندن به فراگیرندگان امکان می‌دهد، دانش تازه‌ای کسب کنند، از ادبیات لذت ببرند و کارهای روزمره‌ای مانند خواندن روزنامه و مجله، آگهی‌های تجاری، دستورالعمل‌های آموزشی، نقشه، تابلوی اعلانات، کتاب‌های مفید و مورد علاقه، و... را انجام دهند که بخش‌هایی از زندگی امروزی هستند. بنابراین، ضرورت دارد، هنگام انتخاب کتاب برای فراگیرندگان، به نکاتی توجه کنیم. در صورت انتخاب کتاب با توجه به این نکات می‌توانیم، شاهد شادی و لذت فراگیرندگان از خواندن کتاب باشیم.

* * *





نکته‌ی سوم

متن یک کتاب مناسب، برای خواننده‌ی آن نه آسان و نه دشوار است. انتخاب کتاب مناسب با سطح علاقه‌ی فراگیرنده و دشواری مطلوب، باعث لذت بردن او از مطلب و تشویقش به خواندن می‌شود. از سوی دیگر، باید مطالب کتاب از نظر ذهنی با خواننده‌ی آن تناسب داشته باشد. بنابراین، هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، کتابی را انتخاب کنیم که از نظر سبک و زبان، خوب نوشته شده باشد، درباره‌ی علاقه‌های علمی فراگیرنده اطلاعاتی را ارائه کند و شامل موضوع‌هایی باشد که برای خواننده‌ی کتاب آشنا باشند.

نکته‌ی چهارم

داشتن دانش قبلی، درک مطلب را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، معرفت فرهنگی نیز چنین تسهیلی را فراهم می‌آورد. بی‌شک، وجود دانش فرهنگی مشترک بین نویسنده‌ی کتاب و خواننده‌ی آن، درک و فهم خواننده را از کتاب نوشته شده تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، کتابی را انتخاب کنیم که با فرهنگ فراگیرنده تناسب داشته باشد و محتوای آن، زندگی، تجربه‌ها و علاقه‌های

او را ترسیم کند.

نکته‌ی پنجم

باور عمومی آن است که فراگیرندگان به مطالعه‌ی کتاب‌های مصور بیش‌تر از کتاب‌های غیر مصور گرایش دارند. زیرا وجود تصویر مرتبط با متن سبب می‌شود، خوانندگان از مطالعه‌ی کتاب بیش‌تر لذت ببرند. از سوی دیگر، وجود تصویر، مطالب کتاب را ملموس‌تر می‌کند و باعث می‌شود که خواننده، مطالب خوانده شده را بهتر درک کند و به حافظه بسپارد. زیرا کنار هم قرار گرفتن تصویر و متن نشان دهنده‌ی این است که اطلاعات نوشتاری موجود در متن کتاب تکرار شده‌اند.

بنابراین، هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، کتابی را انتخاب کنیم که تصویرهای مرتبط با متن داشته باشد و در آن، متن و تصویر کنار هم قرار گرفته باشند.

نکته‌ی ششم

فاصله‌ی ۳۰ سانتی متری به خوبی و به راحتی قابل تشخیص و خواندن باشد. وانگهی، صفحه‌آرایی مناسب که نکات و پیام‌های مهم متن را مشخص کرده باشد، در افزایش اشتیاق فراگیرنده به خواندن کتاب مؤثر است.

در نتیجه، با مد نظر قرار دادن نکات ششگانه‌ی مطرح شده در انتخاب کتاب برای فراگیرندگان، می‌توانیم شاهد شادی و لذت آنان از خواندن کتاب و افزایش انگیزه‌شان به مطالعه باشیم.

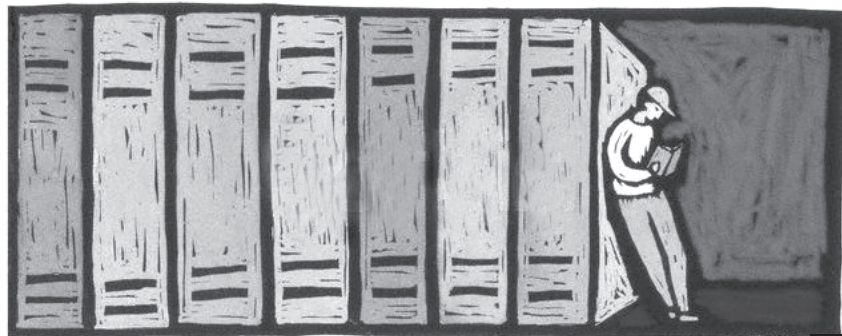
پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند، نوع و اندازه‌ی حروف، در سرعت خواندن و ایجاد انگیزه برای خواندن مطالب چاپی مؤثر است. از سوی دیگر، صفحه‌آرایی و نوع رنگ‌آمیزی کتاب نیز بر انگیزه‌ی فراگیرنده و خواندن کتاب اثر می‌گذارد. بنابراین، هنگام انتخاب کتاب برای خواندن ضرورت دارد، کتابی را انتخاب کنیم که نوع و اندازه‌ی حروف آن، از

زیرنویس

1. Elizabeths. pang
2. Angaluki Muaka
3. Elizabeth B. Bernhardt
4. Michael L. Kamil
5. Lauren Krasny Brown

منابع

1. Pang, s. Elizabeth; Muaka, Angeluki; Bernhardt, B. Elizabeth; and kamil, L. Michal. (2003). Teaching reading. unesco.
2. Brown. Lauren krasny. (1986). Taking advantage of media. A manual for parents and teacher. Routledge and kegan Paul, Boston, London.



علم دریایی است بی حد و کنار
طالب علم است غواص بحار
گر هزاران سال باشد عمر او
او نگردد سیر خود از جست و جو
مولانا، مثنوی معنوی، دفتر ششم

پژوهش یک یافته‌های چکیده‌ی

فاطمه حدادی



اشاره

«توصیف و تحلیل آمار نشر کتاب در ایران طی دو دهه‌ی اخیر» پژوهشی است که توسط علیرضا مهدیانی و سیدحسن مرتضوی در سال ۱۳۸۲، به سفارش «معاونت پژوهشی وزارت علوم و تحقیقات» انجام گرفته است. هدف از اجرای طرح پژوهشی مذکور، آگاهی از سیر تحولات نشر کتاب در سال‌های پس از انقلاب بوده است تا به شیوه‌ای علمی، مبنا و راهنمایی برای سیاست‌گذاری‌های جامع و تصمیم‌گیری‌های سنجیده در عرصه‌ی تولید علم و دانایی فراهم شود.

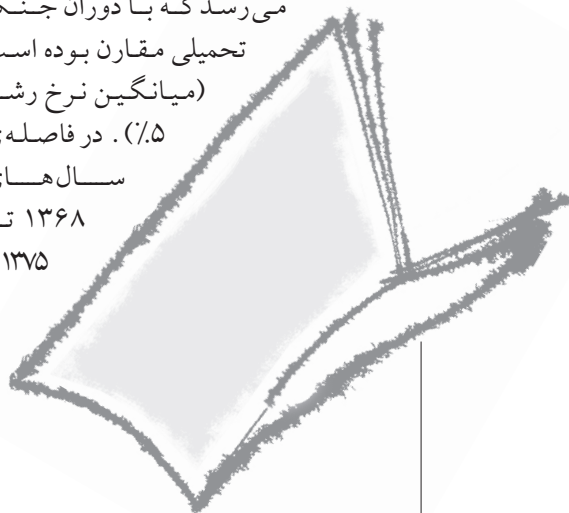
چکیده

نشر کتاب به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی - اجتماعی در بستر زمان، تغییرات و فرازونشیب‌هایی را شاهد بوده است؛ تغییراتی که گاه با تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم‌زمان بوده‌اند. در این تحقیق که از نوع «مطالعات اسنادی»^۱ است، با استخراج آمار نشر کتاب از کارنامه‌ی نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تحلیل این آمار، نتایج عمده‌ی زیر حاصل شد.

طی ۲۴ سال گذشته (۸۱-۱۳۵۷)، نشر کتاب در ایران با برخورداری از میانگین نرخ رشدی حدود ۲۲ درصد، شاهد رشد مداومی بوده است. بالاترین نرخ رشد در این عرصه در سال‌های نخستین پس از انقلاب دیده می‌شود (میانگین نرخ رشد ۵۲٪). پس از آن دوره‌ی رکود فرا

می‌رسد که با دوران جنگ تحمیلی مقارن بوده است (میانگین نرخ رشد ۵٪). در فاصله‌ی

سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵،



شاهد بهبود آمار نشر کتاب هستیم که با نرخ متوسط ۱۰ درصد دوباره در حال رونق گرفتن است. اما در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، رشد تولید کتاب آهنگی کندتر (۱۲٪) پیدا می‌کند. مقایسه‌ی روند آمار نشر کتاب در ایران با روند آن در چند کشور منتخب، در پایان این مقاله آمده است.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع مطالعات اسنادی است که «منابع ثانویه‌ی داده»^۲های مربوط به تولید و نشر کتاب را مبنای بررسی و تحلیل خود قرار داده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این تحقیق، برای سرشماری آمار نشر کتاب در ایران طی ۲۴ سال گذشته، منابع زیر مورد مطالعه قرار گرفتند:

■ نشریات منتشرشده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

■ نشریات منتشرشده توسط کتابخانه‌ی ملی،

■ سالنامه‌های آماری یونسکو،

■ سایت‌های اطلاع‌رسانی.

با بررسی و مطالعه‌ی ویژگی‌ها و قابلیت‌های هریک از منابع فوق و با عنایت به نوع طبقه‌بندی و دقت عمل نسبی در ثبت، دامنه و پوشش زمانی «کارنامه‌ی نشر»، این منبع به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین منبع در دسترس برای

سرشماری، انتخاب شد. البته برای مقایسه‌ی روند نشر کتاب در ایران با چند کشور منتخب، سالنامه‌های آماری یونسکو به عنوان منبع سرشماری و مقایسه تعیین شدند و مورد استفاده قرار گرفتند.

سؤال‌های پژوهش

مطالعه‌ی حاضر به منظور پاسخ گفتن به سؤالات زیر انجام گرفته است:

- انتشار سالانه‌ی کتاب در ایران پس از انقلاب، از چه حجمی برخوردار و روند رشد آن چگونه بوده است؟
- آیا در مقاطع زمانی متفاوت پس از انقلاب، در روند نشر کتاب تفاوت‌های محسوسی مشاهده می‌شود؟
- روند نشر کتاب در این مقاطع زمانی، به تفکیک موضوعات گوناگون از چه قرار بوده است؟
- روند نشر کتاب در حوزه‌ی مهندسی و علوم چه تحولاتی داشته است؟

نظام طبقه‌بندی کتاب در ایران

کشورهای گوناگون برای گزارش آمار تولید و نشر کتاب، از نظام‌های طبقه‌بندی متفاوتی استفاده می‌کنند. اما مرسوم‌ترین آن‌ها، «نظام طبقه‌بندی دهدهی دیویی» است که بیش از ۱۳۵ کشور جهان، از جمله ایران و نیز سازمان‌های بین‌المللی

نظیر یونسکو، از آن استفاده می‌کنند.

یافته‌های پژوهش

طی ۲۴ سال گذشته، یعنی سال‌های ۸۱-۱۳۵۷، جمعاً ۲۴۹۵۳۳ عنوان کتاب در ایران به چاپ رسیده است و آمار نشر کتاب در این مدت از ۲۷۴ عنوان در سال ۱۳۵۷، به ۳۰۴۵۱ عنوان در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته که میانگین نرخ رشدی حدود ۲۲ درصد داشته است. سهم هر یک از ده طبقه‌ی دیویی از مجموع ۲۴۹۵۳۳ عنوان کتاب منتشر شده، در جدول ۱ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، رده‌ی «دین» با برخورداری از ۵۲۶۳۴ عنوان کتاب و ۲۱/۱ درصد از کل مجموع کتاب‌های منتشر شده، در ردیف نخست، و «ادبیات» و «علوم عملی» به ترتیب با ۲۰/۶ و ۱۲/۱ درصد سهم، در ردیف‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. همچنین، «کلیات»، «فلسفه»، «روان‌شناسی» و

«هنر»، با برخورداری از کم‌ترین سهم، مرتبه‌های پایانی این مقایسه را احراز کرده‌اند. از لحاظ نرخ رشد آمار نشر طی این دوره‌ی ۲۴ ساله، دو



ورده‌ی «دین» و «علوم عملی» از مجموع ده رده، با اختصاص ۳۳ درصد از عنوان‌های تولید شده به خود، از بیش‌ترین نرخ رشد، تحولات اجتماعی بوده، که پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران رخ داده است. تغییرات مشاهده شده در روند تحولات این عرصه را می‌توان در چهار دوره مورد تأمل قرار داد:

۱. سال‌های اول

انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۶۰): از نظر شاخص نرخ رشد، بالاترین میانگین نرخ رشد یعنی ۵۲ درصد، به چهار سال نخست پس از انقلاب اسلامی تعلق دارد که بیش‌ترین میزان افزایش نرخ رشد در مقایسه با سه دوره‌ی دیگر است. دقت در آمار نشر در این دوره نشان می‌دهد، نشر کتاب در سال ۱۳۵۷ بسیار تنزل کرده و تنها ۲۶۱ عنوان کتاب در این سال منتشر شده است. اما از سال

جدول ۱. سهم هر یک از ده طبقه‌ی دیوبی از مجموع ۲۴۹۵۳۳ عنوان کتاب منتشر شده

کد	طبقه	تعداد	سهم (%)	نرخ رشد (%)
۰۰۰-۰۹۹	کلیات	۷۳۵۸	۲/۹	بسیار زیاد
۱۰۰-۱۹۹	فلسفه و روان‌شناس	۸۲۳۷	۳/۳	۲۵
۲۰۰-۲۹۹	مذاهب	۵۲۶۳۴	۲۱/۱	۳۳
۳۰۰-۳۹۹	علوم اجتماعی	۲۵۵۲۹	۱۰/۲	۲۰
۴۰۰-۴۹۹	زبان	۲۰۴۸۳	۸/۲	۳۱
۵۰۰-۵۹۹	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۲۸۲۴	۹/۱	۲۷
۶۰۰-۶۹۹	علوم عملی	۳۰۲۶۷	۱۲/۱	۳۳
۷۰۰-۷۹۹	هنرها	۱۳۱۲۶	۵/۳	۲۴
۸۰۰-۸۹۹	ادبیات	۵۱۵۲۱	۲۰/۶	۲۰
۹۰۰-۹۹۹	جغرافیا و تاریخ	۱۷۵۵۴	۷/۱	۱۵

ورده‌ی «جغرافیا» و «تاریخ» از کم‌ترین نرخ رشد برخوردار بوده‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یقیناً عوامل متعددی در روند تحولات آمار نشر کتاب در ایران اثرگذار بوده‌اند، اما با دقت در یافته‌هایی که ملاحظه شد به نظر می‌رسد، مهم‌ترین متغیر اثرگذار،

۱۳۵۸ به بعد با سامان یافتن نسبی امور، نشر کتاب سریعاً رونق گرفته و تعداد عنوان‌های منتشر شده در سال ۱۳۶۰، به ۱۴۳۸ عنوان رسیده است. از این رو شاید بتوان گفت، تغییرات شدیدی که در تعداد عنوان‌های منتشر شده مشاهده می‌شود، چه در مجموع و چه به تفکیک رده‌های ده‌گانه، حکایت از آن ندارد که

سیاست های ویژه ای اعمال و یا تسهیلات خاصی فراهم شده اند.

۲. دوران دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۶۱): در این دوره، وضعیت نشر کتاب با برخورداری از میانگین نرخ رشد ۵ درصدی، تقریباً دوران رکود خود را طی کرده است. البته در همین دوره، برخی عنوان ها با نرخ رشد ۱۷ درصد، از رشد بالایی برخوردار بوده اند و رده های «فلسفه و روان شناسی» و «علوم عملی» وضعیت بسیار نامساعدی داشته اند.

۳. دوران سازندگی (۱۳۶۸-۷۵): در این دوره، نشر کتاب شتاب بیش تری گرفت و با نرخ رشد متوسط ۱۰ درصد از ۶۸۵۰ عنوان کتاب منتشر شده در سال ۱۳۶۸، به ۱۶۵۷۵ عنوان (حدود ۲/۵ برابر) در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در این دوره، ترکیب کتاب های منتشر شده متعادل تر می شود و روند آمار نشر کتاب های ادبی که در دوران جنگ تحمیلی شیب منفی داشت، بالاترین نرخ رشد را احراز و تا انتهای این دوره، برتری خود را حفظ می کند. نشر کتاب های دینی که در دوره ی جنگ پر شمارگان ترین جایگاه را داشت، در چهار سال اول این دوره روندی نزولی پیدا می کند، اما از سال ۱۳۷۳، از نرخ رشد مثبتی برخوردار می شود. در سال آخر این دوره، نشر کتاب های دینی باز هم پر شمارگان ترین جایگاه را به دست می آورد. یکی دیگر از ویژگی های این دوره، روند منفی آمار نشر کتاب های تاریخ

طی سال های ۹۵-۱۹۹۲
(۱۳۷۱-۷۴) کشور ایران با
متوسط آمار نشر ۹۲۲۱
عنوان، در این مجموعه همواره
در ردیف سوم قرار داشته و از
سه کشور ترکیه، مصر و مالزی
برتر بوده است

و جغرافی بوده است؛ به طوری که آمار نشر در این رده از ۱۰۳۵ عنوان در سال ۱۳۶۸ به ۶۴۲ عنوان در سال ۱۳۷۵ کاهش می یابد و رشد منفی ۷ درصدی را به خود اختصاص می دهد.

۴. دوران اصلاحات (۱۳۷۶-۸۱): از سال ۱۳۷۶ تاکنون، وضعیت نشر کتاب در مقایسه با دوره های قبلی از وضعیت بهتری برخوردار بوده و میانگین نرخ رشدی



برابر با ۱۲ درصد داشته است. مهم ترین ویژگی این دوره، افزایش نرخ رشد فوق العاده‌ی نشر کتاب‌های «جغرافیا و تاریخ» است که برعکس رشد منفی در دوره‌ی سازندگی، در این دوره متوسط نرخ رشدی حدود ۱۵ درصد را به خود اختصاص داده است. از دیگر ویژگی این دوره، افزایش نرخ رشد نشر کتاب در رده‌ی علوم عملی است که از ۸ درصد دوره‌ی قبلی به ۱۳ درصد ارتقا یافته است. در این دوره سهم رده‌های «فلسفه و روان‌شناسی»، «هنر» و «ادبیات» از مجموع کتاب‌های منتشر شده کاهش یافته و رشد منفی داشته است. اما در رده‌ی «علوم اجتماعی»، وضعیت نسبتاً بهتر بوده است. نکته‌ی قابل تأمل در این دوره این بوده است که روند همواره مثبت افزایش آمار نشر که از سال ۱۳۷۰ آغاز شده بود، به دلایل نامعلومی در سال ۱۳۸۱ افول یافته و آمار نشر در این سال از ۳۱۶۷۵ عنوان در سال ۱۳۸۰ به ۳۰۴۵۱ عنوان کاهش پیدا کرده است. در مجموع، پر شمارترین دوره‌ی نشر کتاب در ایران، سال‌های پس از ۷۹ بوده است.

مقایسه‌ی ایران با چند کشور منتخب

طی سال‌های ۹۵-۱۹۹۲ (۷۴-۱۳۷۱) طی کشور ایران با متوسط آمار نشر ۹۲۲ عنوان، در این مجموعه همواره در ردیف

سوم قرار داشته و از سه کشور ترکیه، مصر و مالزی برتر بوده است. در همین دوره، کشور انگلستان با متوسط انتشار سالانه ۱۵۰۱۵ عنوان، در ردیف نخست جای می‌گیرد. کشور فرانسه با متوسط ۵۰۴۵۷ عنوان، یعنی حدود نصف آمار نشر انگلستان، در ردیف دوم و کشور مصر با متوسط ۲۵۷۴ عنوان، در آخرین ردیف قرار گرفته است. جایگاه آمار نشر کتاب به تفکیک ده طبقه‌ی دیوبی در ایران در مقایسه با پنج کشور مورد بحث، به شرح زیر بوده است:

گروه کتاب‌های دینی مرتبه‌ی دوم، گروه‌های کتاب‌های تاریخ و جغرافیا، علوم کاربردی، علوم محض زبان، فلسفه و روان‌شناسی و کلیات، مرتبه‌ی سوم، گروه کتاب‌های علوم اجتماعی مرتبه‌ی پنجم و گروه کتاب‌های ادبیات و هنر مرتبه‌ی ششم.

زیرنویس

1. Documentry Study
2. Secondary Data Resources

من ستایشگر آن معلمی هستم که اندیشیدن را به من بیاموزد نه
اندیشه ها را.
شهید مرتضی مطهری



فلسفه

کتاب‌های آموزشی برای نگارش توصیه‌هایی

محمدحسین معتمد‌راد

اشاره

این پرسش که در دنیای امروز، آموزش فلسفه تا چه حد می‌تواند برای دانش‌آموزان مفید باشد، بیش‌تر از این دیدگاه مطرح می‌شود که فلسفه به مسائل واقعی زندگی، به‌ویژه زندگی امروز، بی‌اعتناست و در دنیایی از مجردات نامفهوم سیر می‌کند. در این مقاله، نگارنده در پناه توصیه‌هایش و با اشاره به ماهیت فلسفه، بر این نکته پای می‌فشارد که فلسفه، شیوه‌ی اندیشیدن درباب موضوعات هستی را به ما می‌آموزد. و نیز در کنار دین (به صورت طولی) و به عنوان منبع مهم دانایی در مقابل پرسش‌هایی اساسی، بهترین تکیه‌گاه دانش‌آموز به شمار می‌رود. او بر این باور است که ضعف آموزش کنونی فلسفه در مدرسه‌ها، ناشی از ضعف برنامه‌ی درسی است نه مفهوم و ماهیت فلسفه.



مقدمه

می شود، نه تنها بی اعتنا به مسائل زندگی نیست، بلکه در کنار دین (البته به صورت طولی)، به عنوان یک منبع مهم دانایی، در مقابل پرسش های اساسی، بهترین تکیه گاه دانش آموزان به شمار می رود. اگر در تدوین کتاب های کمک آموزشی فلسفه، همراه با ساختار مفهومی این حوزه از معرفت، به نیازها، علاقه ها و مسائل اساسی زندگی نوجوانان نیز توجه شود، بخش عمده ی چراهای آنان نیز پاسخ داده خواهد شد؛ و یا حداقل برای آنان سؤال برانگیز می گردد. چرا که گفته اند: «هم سؤال از فکر خیزد، هم جواب، و این یعنی انس و الفت با فلسفه. به قول برتراند راسل: «فلسفه، ولو این که قادر نباشد به تمام سؤالاتی که می خواهیم، پاسخ دهد، لاقلاً دارای این قدرت است که سؤالاتی را طرح نماید که توجه ما را به بررسی عالم بیش تر جلب کند» (راسل، ص ۲۹).

فلسفه چیست؟ چه ماهیتی دارد؟

این واژه ریشه ی یونانی دارد و یک مصدر جعلی عربی از کلمه ی «فیلسوفیا» است. «فیلو» به معنای «دوستداری» و «سوفیا» به معنای «دانایی» است. پس کلمه ی فیلسوفیا به معنای «دوستداری - دانایی» است. (مطهری، ص ۱۴۷). فلسفه، نوعی نگرش به زندگی، جهان

دانش آموزان همواره در زندگی خود با موضوعات اساسی و پرسش هایی بنیادین^۱ مواجه می شوند که برای پاسخ به آن ها و انتخاب هدف های زندگی خود، نیازمند یک «نظام فکری قوی» هستند. به عبارت دیگر، درک درست واقعیت های هستی نیازمند برخورداری از ذهنی ورزیده و نظام مند است تا حس کنجکاوی دانش آموزان را ارضا کند و توانایی آنان را در یافتن پاسخ های مناسب برای پرسش های بنیادین زندگی یاری دهد. در این صورت می توان امیدوار بود که آنان با «شیوه ای متفکرانه» مسائل را تحلیل کنند و در گزینش هدف ها و مقاصد نهایی زندگی، مسیری مطمئن را بیمایند.

فلسفه، بخشی از معارف بشری است که موجب گسترش افق دید، پرورش تفکر نظامدار و بهبود بخشیدن به یادگیری آدمیان می شود؛ به گونه ای که دانش آموزان را نسبت به حوادث و واقعیات محیط با «چراهایی» روبه رو می سازد. فلسفه، آن گونه که گاهی پنداشته

مسئلاً کسی که نظام‌مند
می‌اندیشد و آگاهی دارد، بیش از
کسی که فلسفه نمی‌داند و
نمی‌اندیشد، نسبت به امور عالم
فهم و درایت دارد؛ و این مهم‌ترین
امتیاز فلسفه است که دانش‌آموزان
را بیش‌تر به اندیشیدن و
فلسفیدن سوق می‌دهد

ضرورت آموزش فلسفه

مهم‌ترین رسالت کتاب‌های آموزشی فلسفه، تبیین جایگاه فلسفه در میان سایر دانش‌های انسانی، از قبیل علوم اجتماعی، اخلاقی و... است. برای مثال، علوم اعتقادی (دانش کلام) به بررسی برخی از مسائل دینی می‌پردازد و می‌خواهد وجود خدا، یگانگی و سایر صفات او، هدفمندی خلقت، عدالت، قیامت و جهان ماوراءطبیعه را با برهان به اثبات برساند.

و انسان است. به عبارت دیگر، فلسفه، غوطه‌ور شدن در کنه و ذات هر چیز است. فیلسوفان و روان‌شناسان، بر این باور اتفاق نظر دارند که انسان فطرتاً، پرسشگر و جست‌وجوگر است. به ویژه هنگامی که با بحران مواجه می‌شود، نگرش فلسفی‌اش به هستی تحریک و تهییج می‌شود؛ نگرشی که بیش‌تر تمایل دارد موضوعات را از یک چشم‌انداز وسیع و عمیق عقلانی بررسی کند. گرایش‌های فلسفی نوعاً و غالباً با تلاش‌های درونی و عقلی انسان توأم هستند و بدین‌گونه تحلیل می‌شوند.

ماهیت فلسفه همین است که انسان به عمق «چیستی‌ها» پردازد و اسرار را کشف کند. جمله‌ی معروف صدر المتألهین شیرازی، معروف به ملاصدرا که می‌گوید: «هدف از تحصیل فلسفه، ارتقای انسان از پائین‌ترین مراتب به عالی‌ترین مراتب کمال است» (مردانی





از قبیل :

- آیا وجود هستی مساوی با ماده است؟
- آیا هستی بر دو بخش است؟ بخشی از آن مادی است و بخشی دیگر مادی نیست و از آثار ماده است؟
- آیا هر پدیده‌ای نیاز به علت دارد؟
- جهان از کجا آمده و به کجا می‌رود؟
- آیا جهان اول و آخر دارد یا نه؟
- آیا برای مجموع جهان مکانی هست یا نه؟

■ آیا این نظام، نظامی بدیع و زیبا است و در آن زشتی و کجی وجود ندارد، یا پوچ و نازیباست؟

■ آیا موجود، معدوم می‌شود، یا معدوم موجود می‌شود، یا موجودی که معدوم شد، بار دیگر امکان اعاده را دارد یا نه؟

■ آیا پس از حیات دنیوی، حیات دیگری هم هست یا نه؟

■ آیا جهان در برابر کارهای نیک و بد انسان، واکنش دارد یا نه؟

■ جایگاه انسان در عالم هستی کجاست؟

■ چه ارتباطی بین انسان و جهان هستی وجود دارد؟

از این منظر هم می‌توان اهمیت فلسفه را این گونه تشریح کرد که فلسفه به انسان کمک می‌کند تا در ورود به مباحث گوناگون اعتقادی، از مبادی صحیح شروع به اندیشیدن کند. به علاوه، او را از اندیشه‌ی دیگران بی‌نیاز می‌سازد.

اگر به مقتضیات زندگی انسان توجه کنیم، خواهیم دید که یک رشته مسائلی وجود دارند که هیچ علمی به خاطر محدود بودن قلمروی موضوعی خود، نمی‌تواند درباره‌ی آن‌ها تصمیم بگیرد و یا اظهار نظر کند. تنها فلسفه است که به خاطر دید کلی و وسیعی که دارد، می‌تواند به این رشته از مسائل پاسخ گوید. ضرورت فلسفه بیش‌تر از آن روست که می‌تواند به کلی‌ترین و اساسی‌ترین پرسش‌های مربوط به هستی‌شناسی پاسخ بگوید؛ پرسش‌هایی

از نکات مهم در تدوین
کتاب‌های آموزشی فلسفه،
تبیین ابعاد فلسفه و نقش و
جایگاه آن در مجموعه‌ی علوم
بشری برای دانش‌آموزان است

■ آیا هستی در مجموع خود قانونمند است یا بی قانون و بی ضابطه است؟
 ■ آیا هستی در مجموع خود حق است یا پوچ و بی معنا؟
 ■ چرا جهان هستی واقعیت یافته است؟
 ■ آیا مجموع جهان، موجود واحدی است، و از وحدت حقیقی برخوردار است یا موجودات آن یک رشته موجود پراکنده اند که در کنار هم قرار گرفته اند؟

ابعاد فلسفه

از نکات مهم در تدوین کتاب های آموزشی فلسفه، تبیین ابعاد فلسفه و نقش و جایگاه آن در مجموعه ی علوم بشری برای دانش آموزان است. فلسفه به عنوان شاخه ای از معرفت بشری، می تواند در کنار سایر علوم قرار گیرد، با آن ها مقایسه شود، و علل موفقیت یا رکود آن در مقایسه با سایر علوم مورد بررسی قرار گیرد. از این دیدگاه، فلسفه برای خود موضوعی دارد و هدفی را جست و جو می کند.

از جنبه ی دیگری هم می توانیم به فلسفه بپردازیم و آن چستی رویکرد آن است. هر انسانی در زندگی خود، فلسفه را به عنوان «فلسفه ی زندگی» به همراه دارد و از این طریق به دنبال چستی های زندگی است. از این دیدگاه، هر انسانی را باید فیلسوفی دانست که ذاتاً با تفکر فلسفی آشناست؛ یعنی تفکر عقلانی که تمام انسان ها در

صحنه های گوناگون زندگی کم و بیش با آن سروکار دارند. بنابراین می توان گفت، فلسفه موضوعی نیست که منحصر به فیلسوفان باشد. نوعی گرایش نسبت به زندگی، جهان و انسان است که در همه جا حضور دارد.

مسئلاً کسی که نظام مند می اندیشد و آگاهی دارد، بیش از کسی که فلسفه نمی داند و نمی اندیشد، نسبت به امور عالم فهم و درایت دارد؛ و این مهم ترین امتیاز فلسفه است که دانش آموزان را بیش تر به اندیشیدن و فلسفیدن سوق می دهد. این که بشر برای رهایی از بحران ها به رویکردی فراشناختی از زندگی نیازمند است، خود تأکیدی بر ضرورت اندیشه ی فلسفی و خردورزانه در زندگی است.





مانند: آزادی، دموکراسی، اصلاح طلبی و... در درس فلسفه می توان درست اندیشی و تحلیل ماهوی را در مقوله های مطرح شده تقویت کرد.

ج) فلسفه و مسائل معرفت فلسفی

در درس فلسفه، تکیه ی دانش آموز باید بر نگاه به ماهیت پدیده ها باشد و نباید در ساختار مفاهیم فلسفی غوطه ور شود. پرداختن به واژه هایی مانند: آزادی، دموکراسی، اصلاح طلبی و... و تشریح آن ها به تحلیل ماهیت آن ها نیاز دارد. اگر دانش آموز قوه ی تعقل خود را در مسیر تجزیه و تحلیل ماهوی سوق دهد، قطعاً به دانایی می رسد.

تحلیل مقوله هایی که در حوزه ی معرفت فلسفه مطرح می شوند، به ایجاد تغییر و تحول در نحوه ی تفکر نیاز دارد. لذا به پدیدآوردن گان کتاب های آموزشی فلسفه توصیه می شود، مفاهیم این حوزه ی معرفت را به سبک ساده و روان تحلیل کنند و برای دانش آموزان به رشته ی تحریر درآورند.

نارسایی های آموزش کنونی فلسفه

سال هاست که در برنامه ی درسی فلسفه، نارسایی هایی وجود دارند که سبب می شوند، بسیاری از نوجوانان و جوانان، خصوصاً قشر دانش آموز و دانشجو، از

چگونگی آموزش فلسفه در برنامه ریزی درسی

الف) فلسفه و مسائل اساسی دانش آموزان
مسائل اساسی دانش آموز، همان نیازها و علاقه هایی هستند که درس فلسفه باید با آن ها پیوند اساسی ایجاد کند. آنچه در برنامه ریزی درس فلسفه یک اقدام آموزشی محسوب می شود و به عنوان هدف اصلی درس فلسفه مطرح است، بالا بردن و تقویت قدرت تشخیص، اندیشیدن و تمیز استدلال است.

ب) فلسفه و مسائل جامعه

درس فلسفه با مسائل جامعه بی ارتباط نیست و از طریق آن، دانش آموزان می توانند به قابلیت هایی متفاوتی راه یابند؛ از جمله پی بردن به ماهیت مقوله هایی

- درس و رشته‌ی دانشگاهی فلسفه بگزینند،
- یا حداقل نسبت به آن بی‌رغبت شوند.^۲
- مهم‌ترین نارسایی‌هایی که در حال حاضر
- مطرح هستند، عبارتند از:
- ۱. پیچیدگی و اغلاق بیش از اندازه‌ی
- کتاب‌های آموزشی فلسفه که مخاطب را از
- فهم مطالب آن‌ها ناامید می‌سازد.
- ۲. طرح پاره‌ای از مسائلی که چندان
- کاربردی در تحقیق مسائل فلسفی ندارند.
- ۳. کمبود کتاب‌های کمک درسی که
- با اصول تنظیم و تدوین محتوای آموزشی،
- به نگارش درآمده باشند.
- ۴. نبود کتاب‌های آموزشی متنوع
- برای درس فلسفه (متمرکز و منحصر به فرد
- بودن کتاب درسی فلسفه).
- ۵. فقدان آموزش ضمن خدمت
- مستمر برای مدرسان و معلمان فلسفه.
- ۶. کم ارتباط بودن مباحث کتاب‌های
- درسی فلسفه با نیازهای زندگی
- دانش‌آموزان و دانشجویان.
- ۷. ناکافی بودن فرصت آموزشی برای
- تدریس درس فلسفه از لحاظ واحد و ساعت
- هفتگی. گویا به حجم ظاهری درس توجه
- می‌شود، نه به کیفیت و عمق آن.
- با عنایت به نارسایی‌های مطرح شده،
- ایجاد تحول در آموزش درس فلسفه و
- تدوین کتاب‌های آموزشی مناسب برای
- دانش‌آموزان الزامی است.

زیرنویس

۱. از قبیل از کجا آمده‌ایم، زندگی یعنی چه؟، بعد از مرگ به کجا می‌رویم؟...
۲. درس فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی برای رشته‌ی غیرعلوم انسانی، به عنوان واحد اختیاری مطرح است، اما در عمل تقریباً هیچ دانش‌آموزی این واحد را انتخاب نمی‌کند.

منابع

۱. مردانی نوکنده، محمدحسین. فلسفه برای جوانان. مؤسسه انتشاراتی عصر رسانه. چاپ اول. ۱۳۸۱.
 ۲. راسل، برتراند. مسائل فلسفه. ترجمه‌ی منوچهر بزرگمهر.
 ۳. ملکی، حسن. تحلیل آموزش فلسفه از منظر برنامه‌ریزی درسی. ۱۳۷۹.
 ۴. مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی، جلد اول، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، زمستان ۱۳۷۵.
 ۵. مصباح یزدی، محمدتقی. دروس فلسفه. مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی. چاپ اول. ۱۳۶۳.
6. <http://hekmat-14.persian.blog.com>
(آسیب‌شناسی درس فلسفه)



فهرست زمان بندی برگزاری نمایشگاه های بین المللی کتاب

اشاره

به منظور آگاهی ناشران و پدیدآورندگان کتاب های آموزشی از آخرین دستاوردها و تحولات نشر کتاب در ایران و جهان، آشنایی با کم و کیف انتشار کتاب در خارج از کشور، و احیاناً بررسی زمینه های شرکت دست اندرکاران امر تولید کتاب های آموزشی در نمایشگاه های بین المللی کتاب، فهرستی در این شماره برگرفته از سایت های مختلف اینترنتی معرفی می شود. این فهرست شامل نام، زمان برگزاری و آدرس اینترنتی هجده نمایشگاه بین المللی کتاب است که براساس ماه برگزاری مرتب شده اند. زمان برگزاری این نمایشگاه ها از اردیبهشت تا آذر ماه سال ۱۳۸۴، مقارن با ماه می تا دسامبر ۲۰۰۵ میلادی، متفاوت است و طول برپایی اغلب آن ها از یک هفته تجاوز نمی کند.

۱. نمایشگاه بین المللی کتاب تهران -
ایران ۴ تا ۱۴ می ۲۰۰۵ (۱۴ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۴)
www.tifb.co.ir
۲. نمایشگاه بین المللی کتاب پراگ - چک
۵ تا ۸ می ۲۰۰۵ (۱۵ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴)
www.bookworld.cz
۳. نمایشگاه بین المللی کتاب ورشو - لهستان
۹ تا ۲۲ می ۲۰۰۵ (۱۹ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۱۳۸۴)
www.bookfair.pl
۴. نمایشگاه بین المللی کتاب نیجریه
۱۰ تا ۱۴ می ۲۰۰۵ (۲۰ تا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۴)
www.nibf.org
۵. نمایشگاه کتاب شیکاگو - ایالات متحده
۴ تا ۶ ژوئن ۲۰۰۵ (۱۴ تا ۱۶ خرداد ۱۳۸۴)
www.bookexpoamerica.com
۶. نمایشگاه بین المللی کتاب سئول - کره ی جنوبی
۴ تا ۹ ژوئن ۲۰۰۵ (۱۴ تا ۱۹ خرداد ۱۳۸۴)
www.sibf.co.kr

۱۴ . نمایشگاه کتاب فرانکفورت -

آلمان (بزرگ ترین نمایشگاه بین المللی جهان)
۱۹ تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۵ (۲۷ مهر تا ۱

آبان ۱۳۸۴)

www.frankfurt-book-fair.com

۱۵ . نمایشگاه بین المللی کتاب های قدیمی و باستانی بوستون - ایالات متحده
۲۸ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۰۵ (۶ تا ۸ آبان ۱۳۸۴)

www.bostonbookfair.com

۱۶ . نمایشگاه کتاب کانتیکات - ایالات متحده
۱۲ تا ۱۳ نوامبر ۲۰۰۵ (۲۱ تا ۲۲ آبان ۱۳۸۴)

<http://bookfair.uconn.edu>

۱۷ . نمایشگاه بین المللی کتاب میامی - ایالات متحده
۱۸ تا ۲۰ نوامبر ۲۰۰۵ (۲۷ تا ۲۹ آبان ۱۳۸۴)

www.miamibookfair.com

۱۸ . نمایشگاه کتاب ناشران کوچک و مستقل نیویورک - ایالات متحده
۳ تا ۴ دسامبر ۲۰۰۵ (۱۲ تا ۱۳ آذر ۱۳۸۴)

<http://smallpress.org>

۷ . نمایشگاه کتاب کانادا

۲۴ تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۵ (۴ تا ۶ تیر ۱۳۸۴)

www.reedexpo.ca/bookexpo

۸ . نمایشگاه بین المللی کتاب توکیو - ژاپن

۷ تا ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۵ (۱۶ تا ۱۹ تیر ۱۳۸۴)

<http://web.reedexpo.co.jp>

۹ . نمایشگاه کتاب هنگ کنگ

۲۰ تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵ (۲۹ تیر تا ۳۱ مرداد ۱۳۸۴)

www.hkbookfair.com

۱۰ . نمایشگاه بین المللی کتاب زیمبابوه

۱ تا ۱۷ اگوست ۲۰۰۵ (۱۰ تا ۱۶ مرداد ۱۳۸۴)

www.zibf.org.zw

۱۱ . نمایشگاه بین المللی کتاب بیجینگ - چین

۱ تا ۵ سپتامبر ۲۰۰۵ (۱۰ تا ۱۴ شهریور ۱۳۸۴)

www.bibf.net/bibf/index.jsp

۱۲ . نمایشگاه کتاب گوتنبرگ - سوئد

۲۹ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۲۰۰۵ (۷ تا ۱۰ مهر ۱۳۸۴)

www.bok-bibliotek.se/indexeng.html

۱۳ . جشنواره ی کتاب نیویورک - ایالات متحده

۲ تا ۳ اکتبر ۲۰۰۵ (۱۱ تا ۱۲ مهر ۱۳۸۴)

www.nyisbookcountry.com



نظرخواهی از خوانندگان

فصل نامه سامان بخشی کتاب های آموزشی «جوانه»

اطلاع و آگاهی از نقطه نظرهای خوانندگان عزیز، بی شک کیفیت فصل نامه را بهبود می بخشد. از این رو، خواهشمند است با پاسخ به پرسش های زیر و ارسال این پرسشنامه به دفتر نشریه، دست اندرکاران انتشار آن را یاری فرمایید.

۱. چگونه از انتشار فصل نامه آگاه شدید؟

۲. آیا به موقع به دست شما می رسد؟ بلی ☐ خیر ☐

۳. شماره هایی از آن را که تاکنون دریافت داشته اید، مشخص کنید.

شماره اول ☐ دوم ☐ سوم ☐ چهارم ☐ پنجم ☐

۴. آیا از نحوه توزیع و دریافت فصل نامه راضی هستید؟

بلی ☐ نسبتاً ☐ خیر ☐

۵. چند نمونه از آموزنده ترین مقاله هایی را که در «جوانه» خوانده اید، به ترتیب اولیت نام ببرید.

الف:

ب:

ج:

د:

هـ:

۶. نظر خود را در مورد کیفیت فصل نامه با گذاشتن علامت در جدول مشخص کنید.

موارد	بسیار خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	ملاحظات
کیفیت محتوا						
تقسیم بندی مطالب						
تنوع مطالب و تازگی موضوعات						
ویرایش						
طرح روی جلد						
عکس ها						
شیوه چاپ مطالب						
سایر موارد						

۷. به نظر شما فصل نامه باید به چه موضوعاتی بیش تر بپردازد؟

الف:

ب:

ج:

د:

۸. در کدام زمینه های زیر علاقه مند به همکاری با فصل نامه هستید؟

- ☐ نگارش مقاله و یادداشت ☐ تبیین دیدگاه های حوزه تولید کتاب آموزشی
☐ نقل تجربه نویسندگان آموزشی ☐ سایر با ذکر مورد ...

۹. آیا برای زمینه فعالیت شما مناسب است؟

- بلی نسبتاً خیر
لطفاً توضیح دهید:

۱۰. در حوزه کاری، علاوه بر شما چه کسانی «جوانه» را مطالعه می کنند؟

۱۱. نظرها، پیشنهادها و انتقادهای خود را بنویسید.

۱۲. مشخصات خود را بنویسید.

- سن: جنس: مرد ☐ زن ☐ میزان تحصیلات:
زمینه فعالیت: سابقه فعالیت (به سال): منطقه یا سازمان:
استان: شهرستان:

۱۳. آیا مایلید نشریه به صورت اشتراک برای شما ارسال شود؟

- بلی ☐ خیر ☐

۱۴. در صورت تمایل به همکاری، نام و نشانی و شماره تلفن خود را ذکر کنید.

نشانی دفتر نشریه:

تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸
دفتر انتشارات کمک آموزشی، دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی

فصل نامه جوانه

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۳۱-۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۸۳۰۶۰۷۱

آدرس اینترنتی: www.samanketab.com

پست الکترونیکی: [Email:info@samanketab.com](mailto:info@samanketab.com)



Organizing the Supplementary Textbooks and The Educational Aids, The Ministry of Education

“**Javaneh**” is an educational, analytical and research magazine which is published quarterly. It aims at giving information, disseminating research findings and interchanging ideas between scholars and publishers regarding supplementary textbooks or educational aids development process.

Considering objectives of the ministry of education, publishers try to improve their knowledge and job's experience continually. Through this magazine, they also try to promote by using their existing potentials.